

غیر قابل فروش



ماهنامهٔ محتوایی ویژهٔ محافل
و جلسات قرآن و عترت علیهم السلام

شمارهٔ هشت - بهمن ۱۴۰۴





ماهنامه محتوایی ویژه مبلغان

ومریان قرآن و عترت

شماره هشت - بهمن ۱۴۰۴

پرنفاز قرآن



تهیه شده در:

بدیع (دستیار ایده و محتوای قرآنی)

هرگونه استفاده و ترویج خورشید و ماه در
منابر، کلاس‌ها، جلسات و محافل قرآنی **جایز**
و موجب خوشحالی تولیدکنندگان است.

نویسندگان:

مرتضی حاجی‌وند

طراح لوگو: حسن کریمی

صفحه‌آرایی: غلامعلی جزینی



سلام و درود به پیشگاه مقدس مولود نیمه شعبان و آخرین ذخیره امامت حضرت بقیه الله - ارواحنا فداه- و یگانه دادگستر ابدی و بزرگ پرچمدار رهایی انسان از قیود ظلم و ستم استکبار. سلام بر او و سلام بر منتظران واقعی او، سلام بر غیبت و ظهور او و سلام بر آنان که ظهورش را با حقیقت درک می‌کنند و از جام هدایت و معرفت او لبریز می‌شوند. این عید سعید پانزده شعبان را به همه مسلمین و به همه ملت ایران تبریک عرض می‌کنم. ماه شعبان ماه بزرگی است که در آن، در سوم آن، بزرگ مجاهد عالم بشریت متولد شد و در پانزده آن، حضرت مهدی موعود - ارواحنا له الفداء- پا به عرصه وجود گذاشت.

صحیفه امام؛ ج ۲۱، ص ۳۲۵.



نیمه شعبان مظهر امید به آینده است؛ یعنی همه امیدهایی که ما به چیزی پیدا می‌کنیم، ممکن است بشود، ممکن است نشود؛ اما امید به اصلاح نهایی به وسیله ولی مطلق حضرت حق، حضرت صاحب الزمان -عجل الله تعالی فرجه و ارواحنا فداه- امید غیر قابل تخلف است. «السَّلامُ عَلَیْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي ضَمِنَهُ»؛ وعده تضمین شده خدا است؛ «السَّلامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ وَ الْعِلْمُ الْمَصْبُوبُ وَ الْغَوْثُ وَ الرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ وَ عِدًّا غَيْرَ مَكْذُوبٍ»؛ این وعده تخلف‌ناپذیر الهی است. فقط هم ما -شیعه- نمی‌گوییم، فقط هم ما مسلمان‌ها نمی‌گوییم، [بلکه] همه ادیان عالم منتظر یک روز آن چنانی هستند.

بیانات در دیدار کارگران، ۱۳۹۷/۰۲/۱۰

﴿وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا﴾

و کارهای خوب ماندگار نزد پروردگارت از
جهت پاداش بهتر و از لحاظ امیدداشتن
به آنها نیکوتر است.

سوره مبارکه کهف، آیه شریفه ۴۶

همراه گرامی

با سلام و احترام

«خورشید و ماه» با همت جمعی از
دغدغه‌مندان فرهنگ قرآنی و به‌صورت
کاملاً جهادی و مردمی تولید می‌شود. تداوم
این مسیر، با حمایت‌های مالی - حتی اندک -
شما عزیزان ممکن خواهد بود. در صورت
تمایل، می‌توانید با کلیک روی لینک زیر به
«خورشید و ماه» کمک کنید.



zarinp.al/taharoshd.com

فهرست مطالب

۸	برای شروع...
۹	برای مربیان و مبلغان
۱۱	خورشید (مناسبت‌های شمسی)
۱۲	۶ بهمن - سالروز حماسهٔ مردم آمل
۲۰	۱۲ بهمن - بازگشت امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ و آغاز دههٔ فجر
۲۹	۱۴ بهمن - روز فناوری فضایی
۳۷	۲۲ بهمن - سالروز پیروزی انقلاب اسلامی
۴۵	۲۹ بهمن - روز اقتصاد مقاومتی و کارآفرینی
۵۲	ماه (مناسبت‌های قمری)
۵۳	۳ شعبان - ولادت امام حسین عليه السلام و روز پاسدار
۶۱	۴ شعبان - ولادت حضرت ابوالفضل عليه السلام و روز جانباز
۶۸	۵ شعبان - ولادت امام سجاد عليه السلام و روز صحیفهٔ سجادیه
۷۶	۱۱ شعبان - ولادت حضرت علی اکبر عليه السلام و روز جوان
۸۱	۱۵ شعبان - ولادت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف



برای شروع

سال‌ها پیش در خانواده عقیق ایده‌ای شکل گرفت برای شناساندن مناسبت‌های شمسی و قمری تقویم به مردم. بسیاری از مناسبت‌ها در تقویم درج شده‌اند اما کمتر کسی از ما می‌داند که دلیل اهمیت آن‌ها یا داستان‌شان چیست. بعد از چندی، این ایده تغییر کرد و با محوریت قرآن شکلی نو به خود گرفت و شد آنچه که اکنون پیش روی شماست: «خورشید و ماه»؛ ماهنامه‌ای برای معرفی مناسبت‌ها و پیوند آن‌ها به آیات قرآن و سخنان اهل بیت علیهم‌السلام.

گرچه این ماهنامه برای عموم افراد قابل استفاده است اما در نگاه اول، برای فعالان قرآن و عترت تولید شده است. اگر مربی، مبلغ، معلم یا برگزارکننده جلسات و کلاس‌های مذهبی هستید، «خورشید و ماه» می‌تواند همراه مناسبی برای شما باشد. در هر شماره از این مجله، برای هر مناسبت یک آیه محوری انتخاب شده است؛ بعد از توضیح مناسبت، پیوند آن با آیه مورد بررسی قرار گرفته است و در ادامه نیز روایاتی از اهل بیت علیهم‌السلام و بیاناتی از رهبر معظم انقلاب مدّ ظله آورده شده تا بهره‌مخاطب از خوان معنوی کامل شود.

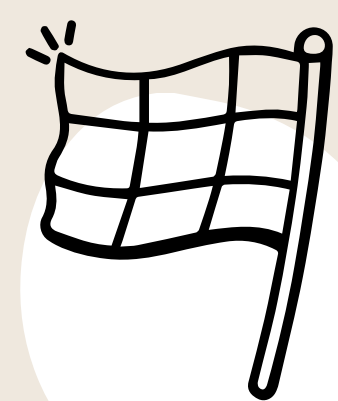
مزید امتنان است که ما را از نظرات ارزشمندتان بی‌نصیب نگذارید. بی‌شک نظرات شما چراغ راه ادامه مسیر این کار کوچک خواهد بود؛ ان شاء الله.

برای مربیان و مبلغان

فارغ از نوع فعالیت شما- جلسات خانگی قرآن، هیئت‌های مذهبی، پایگاه‌های بسیج یا سایر محافل- می‌توانید از این شیوه‌نامه برای ارائه مؤثر محتوای «خورشید و ماه» استفاده نمایید. دقت کنید که این روش، الگوی پیشنهادی ماست و شما باید با خلاقیت خود و با در نظر گرفتن ویژگی‌های مخاطبان، زمان و شرایط خاص منطقه خود، آن را مناسب‌سازی کنید.

۱. گام اول: شروع (۱۰ دقیقه)

جلسه را با توضیحی مختصر و جذاب درباره موضوع شروع کنید. این بخش باید به گونه‌ای طراحی شود که ذهن مخاطبان را برای درک بهتر محتوا آماده سازد.



۲. گام دوم: مشارکت مخاطب (۱۰ دقیقه)

در صورت حضور افرادی که درباره موضوع آگاهی یا تجربه‌ای دارند، فرصتی فراهم کنید تا به بیان خاطرات یا اطلاعات خود بپردازند. این کار باعث افزایش مشارکت و جذابیت جلسه خواهد شد.



۳. گام سوم: تلاوت آیه (۵ دقیقه)

مربی یا یکی از شرکت‌کنندگان آیه را تلاوت کنند. سعی کنید همه افراد را به مشارکت در تلاوت تشویق و در صورت نیاز، تلاوت آیه را تکرار کنید. همچنین، بیان ترجمه قابل فهم آیه را فراموش نکنید.



۴. گام چهارم: مشارکت مخاطب ۲ (۱۰ دقیقه)

پیش از ارائه تفسیر و توضیح، از مخاطبان بخواهید برداشت شخصی خود از آیه را بیان کنند و ارتباط آن را با مناسبت مورد بحث مطرح نمایند. این گفت‌وگوی گروهی به فهم عمیق‌تر و ماندگارتر پیام جلسه کمک می‌کند.



۵. گام پنجم: جمع‌بندی (۱۰ دقیقه)

با اشاره به مفهوم محوری آیه و پیوند آن با مناسبت، مطالب را جمع‌بندی کنید و مصادیق عملی این آیه را در زندگی روزمره بیان کنید.



۶. گام ششم: عهد

در پایان، با شرکت‌کنندگان عهد ببندید تا مفاهیم آیه را در زندگی خود به کار ببندند.





مناسبت‌های شمس

۶ بهمن: سالروز حماسهٔ مردم آمل

۱۲ بهمن: بازگشت امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ و آغاز دههٔ فجر

۱۴ بهمن: روز فناوری فضایی

۲۲ بهمن: سالروز پیروزی انقلاب اسلامی

۲۹ بهمن: روز اقتصاد مقاومتی و کارآفرینی



۶ بہمن - سالروز حماسہ مردم آمل

آیہ محوری



﴿هُوَ الَّذِي أَيْدَكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ﴾؛^۱ «اوست کسی
کہ تو را با یاری خود و به وسیلہ مؤمنان نیرومند
ساخت.»

۱. سورہ مبارکہ انفال/۶۲.

دربارهٔ مناسبت

اتحادیهٔ کمونیست‌های ایران با تکیه بر برآوردهای جغرافیایی و خیال‌پردازی‌هایشان، آمل و جنگل‌های اطراف آن را بستر مناسبی برای عملیات چریکی می‌دیدند و با استقرار در آن نواحی، در انتظار روزی بودند که به شهر هجوم ببرند. اگر موفق به این کار می‌شدند، محور هراز-از مسیرهای مواصلاتی تهران به شمال- قطع می‌شد و امکان گسترش ناامنی به دیگر شهرهای شمالی فراهم می‌آمد. گمان می‌کردند که مردم شهر به استقبالشان خواهند آمد و با آن‌ها در فتح شهر همراه خواهند شد.

با آغاز حمله در ششم بهمن سال ۱۳۶۰، مردم آمل، بی‌درنگ به سنگربندی در خیابان‌ها پرداختند. پیر و جوان، زن و مرد، برای دفاع از آرمان نوشکفته‌شان سدی در برابر نفاق کشیدند. شور عمومی، ضعف و ناهماهنگی نیروهای رسمی را پوشش داد. مردم همچنین در شناسایی دشمن، انتقال مجروحان و... کمک می‌کردند.

جنگ و گریزها طولی نکشید. همان روز، مواضع ضدانقلاب فتح شد؛ بسیاری از آنان به هلاکت رسیده و دستگیر شدند

و مابقی‌شان عقب نشستند. آنچه به یادگار ماند، سربند «هزار سنگر» بر پیشانی شهر آمل بود.

ارتباط آیه و مناسبت



بازخوانی حوادث روزهای اخیر از نگاه تاریخی و معرفت‌شناسانه، ما را به حقیقتی آشنا می‌رساند. کشور بار دیگر درگیر فتنه و آشوبی تازه شده؛ اما این «تازگی»، فقط زمان آن است و نه مسیر. آنچه رخ داده، پیش‌تر بارها و بارها در این سرزمین تجربه شده است؛ شکافی عمیق میان محاسبات اتاق‌های فکر دشمن و واقعیت مردم.

آشوبگران، طبق معمول، خیال کرده‌اند که با هیاهو، خشونت و سبوعیت می‌توانند مسیر یک ملت را عوض کنند؛ همان توهّم که پیشینیانشان را نیز به میدان آورد و در نهایت، بدرقهٔ راهشان به زباله‌دان تاریخ شد. تاریخ این انقلاب، تاریخ آزمون همین توهّم‌هاست؛ و هر بار، واقعیت مردم، محاسبات دشمن را درهم شکسته است.

از همان بهمن ۱۳۵۷ که انقلاب اسلامی به ثمر نشست، این رخداد برای استکبار غربی و شرقی و پیاده‌نظام خودباختهٔ داخلی‌شان، تلخ، گلوگیر و غیرقابل تحمل بود. از همان روزهای نخست، نقشه پشت نقشه کشیدند تا این

شجره طیبه را بخشکانند: ترورهای کور، غائله کردستان و ناامن سازی مناطق مختلف، تحمیل جنگی تمام عیار در دفاع مقدس، پروژۀ منافقین، حادثۀ آمل و بعدتر فتنه های رنگ به رنگ سال های ۸۸، ۹۶، ۱۴۰۱. آخرین شان جنگ دوازده روزه بود. صحنه عوض شده، ابزارها نو شده، اما بازیگران و خیال بافی ها همان است.

آنچه اما همواره از چشم طراحان این سناریوها پنهان مانده، عنصر اصلی این معادله است: مردم؛ مردمی که وطن دوستیشان با دینداری گره خورده و هویتشان نه در پس و پشت اکانت های فیک شبکه های مجازی که در حافظه حقیقی تاریخی و زیست تمدنیشان ریشه دارد. همین مردمند که هر بار در بزرگراه های امنیتی ملی وارد میدان شده اند و نقشه های خصم را نقش بر آب کرده اند. واقعیت این است که هیچ نیرویی، هیچ ائتلاف رسانه ای و هیچ اتاق فکر پرهزینه ای، تاب ایستادن برابر ایمان و وحدت کلمه را ندارد. این انقلاب و این کشور، پیش از این، طوفان های سهمگین تر را پشت سر گذاشته است. آنچه امروز جریان دارد، نه پایان راه است و نه نشانه فروپاشی؛ بلکه تکرار همان تقابل قدیمی است: خیال دشمن در برابر واقعیت مردمی مؤمن؛ حزب شیطان در برابر حزب خدا.

کلام معصوم

أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا وَلَكُمْ عَلَيَّ حَقٌّ، فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَيَّ فَالنَّصِيحَةُ لَكُمْ وَتَوْفِيرُ فَيِّكُمْ عَلَيْكُمْ وَتَعْلِيمُكُمْ كَيْلًا تَجْهَلُوا وَتَأْدِيبُكُمْ كَيْمًا تَعْلَمُوا. وَأَمَّا حَقِّي عَلَيْكُمْ فَالْوَفَاءُ بِالْبَيْعَةِ وَالنَّصِيحَةُ فِي الْمَشْهَدِ وَالْمَغِيبِ وَالْإِجَابَةُ حِينَ أَدْعُوكُمْ وَالطَّاعَةُ حِينَ أُمُرُكُمْ.»^۱

امیرالمؤمنین علیه السلام: «ای مردم، مرا بر شما و شما را بر من حق واجب شده است. حق شما بر من، آن که از خیرخواهی شما دریغ نوزم و بیت المال را میان شما عادلانه تقسیم کنم، و شما را آموزش دهم تا بی سواد و نادان نباشید، و شما را تربیت کنم تا راه ورسم زندگی را بدانید. اما حق من بر شما این است که به بیعت با من وفادار باشید، و در آشکار و نهان خیرخواهم باشید، هرگاه شما را فراخواندم اجابت نمایید و فرمان دادم اطاعت کنید.»

۱. نهج البلاغه؛ خطبة ۳۴.

سخن رهبری

قضیه ششم بهمن آن قدر اهمیت داشت که امام بزرگوار ما آن را در وصیتنامه تاریخی خود هم مندرج کردند، آن را یادگار گذاشتند؛ یعنی فراموش نشود. حالا چرا فراموش نشود؟ برای این که حوادث تاریخی هم درس است، هم عبرت است. قضایای جاری بر یک ملت، قضایائی است که در برهه‌های مختلف غالباً تکرار می‌شود. امروز بیست و هشت سال از آن زمان می‌گذرد، اما راه جمهوری اسلامی که عوض نشده است؛ دشمنان جمهوری اسلامی هم عوض نشدند. پس آنچه که آنجا اتفاق افتاد، می‌تواند برای امروز و برای آینده تا هر وقتی که ملت ایران به حول و قوه الهی دلبسته این اصول و این انقلابند، عبرت باشد، درس باشد؛ لذا نباید فراموش بشود.

خوب، حالا در فضائل ششم بهمن آمل یک جمله دیگر هم عرض کنیم. «هزار سنگر» یعنی چه؟ ظاهر قضیه این است که در درون شهر، مردم در مقابل گروه‌های اشرار و متجاوز سنگر درست کردند - حالا یا هزار تا، یا بیشتر یا کمتر - اما من یک تفسیر دیگری دارم: این سنگرها سنگرهای درون خیابان‌ها نیست، این سنگر دل‌هاست؛ هزار تا هم نیست،

هزاران سنگر است؛ به عدد هر مؤمنی، هر انسان با انگیزهٔ باشرقی، یک سنگر در مقابل تهاجم دشمن وجود دارد.

... جمهوری اسلامی هویتی غیر از هویت مردم و ایمان مردم و عزم مردم که ندارد. امروز هم همین جور است. ما کسی نیستیم، ما چیزی نیستیم؛ خدای متعال به وسیلهٔ این مردم و این دل‌هاست که این نظام را حمایت می‌کند؛ «هو الذی ایدک بنصره وبالمؤمنین». خداوند متعال به پیغمبرش می‌فرماید که پروردگار، تو را به وسیلهٔ مؤمنین یاری کرد.

جمهوری اسلامی امروز هم همین جور است، آن روز هم همین جور بود. ما وسیلهٔ دیگری نداریم؛ وسیله، همین ایمان‌های مردم است که از هر سلاحی کارآمدتر است، از هر وسیله‌ای مؤثرتر است. آن روز هم همین جور بود. مردم آمدند این توطئه‌ها را جارو کردند.^۱

ایده‌های کنشگری



- اگر در شهر یا محله‌تان فرد یا خانواده‌ای از شهدا یا جانبازان جنگ دوازده‌روزه یا آشوب‌های اخیر را می‌شناسید، به دیدارشان بروید یا با آن‌ها تماس بگیرید.
- زنده‌نگه داشتن حماسه‌ها فقط مخصوص مراسم‌های

۱. بیانات در دیدار مردم مازندران در سالگرد حماسهٔ شش بهمن، ۱۳۸۸/۱۱/۰۶.



بهمن ۱۴۰۴

رسمی نیست؛ توجه اجتماعی به افراد و خانواده‌هایی
که برای امنیت و هویت این سرزمین ایستاده‌اند، در
همبستگی و گسترش پیام این ایستادگی مؤثر است.





۱۲ بهمن - بازگشت امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ و آغاز دهه فجر

آیه محوری



﴿قُلْ إِنَّمَا أَعْظُمُ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَى وَفُرَادَى﴾؛
«بگو: شما را تنها به یک چیز اندرز می‌دهم، و آن
این‌که دو نفر دو نفر یا یک نفر یک نفر برای خدا
قیام کنید.»

۱. سوره مبارکه سبأ/۴۶.

دربارهٔ مناسبت

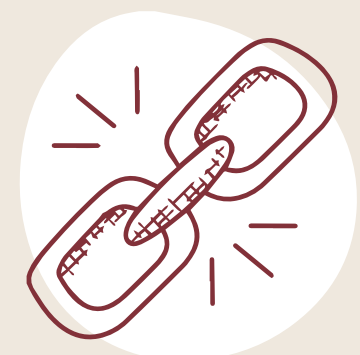


فجر در قاموس انقلاب، فراتر از یک واژه است؛ گویی تمامی معنای انقلاب را در خود حمل می‌کند. «فجر»، در اصل به معنی شکافتن وسیع است؛ سپیده‌دم را فجر خوانده‌اند چون نور صبح پرده‌های فشردهٔ تاریکی شب را از هم می‌گسلد. فجر فقط رویدادی نجومی نیست، نقطهٔ عطف است، آغاز حاکمیت نور، پایان رکود و خاموشی. خداوند در آیات نخستین سورهٔ مبارکهٔ فجر به آن قسم یاد کرده است. هر جا ظلمت فراگیر ترک بردارد و نوری قد بکشد، فجر رخ داده است. بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در دل تاریکی جاهلیت، فجر بود. عاشورای حسینی در دشت خونین کربلا، آن‌گاه که پرده از چهرهٔ واقعی دیوافتان بنی‌امیه برداشت، فجر بود. وعدهٔ قیام مهدوی در واپسین شب‌های تاریخ و از پس فرورفتن جهان در ظلمات جهل و ستم، فجر است. جرقهٔ بیداری، توبه و هدایت در دل گناهکاران فجر است. و انقلاب اسلامی ایران، در روزگار ما، تجسم فجر است؛ شکافتن تاریکی گمراهی، تحقیر و استبداد.

رژیم پهلوی و حامیان غربی‌اش آخرین تیرهای ترکشان را هم شلیک کردند. بستن فرودگاه‌ها، حکومت نظامی و

آوردن شاپور بختیار با نقاب «ملی‌گرایی» همه تلاش‌هایی بود برای مهار انقلاب. اما ورود امام رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ -پس از پانزده سال تبعید- صحنه را به‌کلی تغییر داد. سخنرانی قاطع امام رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ در بهشت زهرا، که دولت بختیار را غیرقانونی اعلام کرد، فرصت هرگونه طراحی و مانور را از اتاق‌های توطئه گرفت. در همان فاصله کوتاه، دولت موقت معرفی شد. فرمان تاریخی امام مبنی بر بی‌اعتنایی به حکومت نظامی، نقطه شکست نهایی رژیم بود. مردمی که سال‌ها تحقیر شده بودند، خیابان‌ها را سنگربندی کردند. پادگان‌ها گشوده شد، سلاح‌ها به دست مردم افتاد، و ارتش گروه‌گروه به ملت پیوست. بیعت همافران نیروی هوایی در ۱۹ بهمن، تصویر به‌یادماندنی آن روزهاست. سرانجام، در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، آن نظام پوسیده ۲۵۰۰ ساله فرو ریخت. بختیار گریخت، و مبارزه پانزده‌ساله با رهبری امام و ایستادگی مردم به ثمر نشست. این، پایان شبی طولانی و آغاز صبح بود.

ارتباط آیه و مناسبت



آن که در ۱۲ بهمن ۵۷ به خاک این سرزمین قدم گذاشت،

کنشی تاریخی بود که سال‌ها پیش از دل یک آیه آغاز شده بود. امام خمینی رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ از همان ابتدا، انقلاب را با یک اصل کوتاه، شفاف و قرآنی صورت‌بندی کرد: «قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ مِثْنٍ وَفِرَادَى».

قیام پیش از آن‌که خیابانی باشد، معرفتی است؛ پیش از آن‌که جمعی باشد، فردی است؛ و پیش از آن‌که «علیه» کسی باشد، «برای خدا»ست. امام، درست در برابر منطق توده‌سازی‌های کور، هیجان‌های لحظه‌ای و بیریشه و جنبش‌های وارداتی ایستاد و گفت: از خودت شروع کن. معیار نه اکثریت توده‌وار است و نه اقلیت پرسروصدا؛ معیار «قیام لله» است.

مردی که سال‌ها تبعید و تهدید را از سر گذرانده بود، به پشتوانه همان عقیده بازگشت؛ نه با کودتا، نه با اتکا به قدرت‌های خارجی، بلکه با توکل بر خدا و با مردمی که هرکدام پیش‌تر در درون خودشان قیام کرده بودند. دهه فجر از همین جا معنا پیدا می‌کند: انفجار نور، محصول جمع‌شدن نورهای کوچک و پراکنده قیام‌های فردی است، نه حاصل مهندسی رسانه‌ای یا بزک‌کردن خواست اقلیت.

کلام معصوم



أَبُو الْحَسَنِ الْأَوَّلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ قُمَّ يَدْعُو النَّاسَ إِلَى
الْحَقِّ يَجْتَمِعُ مَعَهُ قَوْمٌ كَزُبْرِ الْحَدِيدِ لَا تُزِلُّهُمْ الرِّيَّاحُ
الْعَوَاصِفُ وَلَا يَمْلُونُ مِنَ الْحَرْبِ وَلَا يَجْبُونُ وَعَلَى اللَّهِ
يَتَوَكَّلُونَ»^۱

امام کاظم علیه السلام: «مردی از اهل قم مردم را به حق
بخواند و با گروهی چون پاره‌های آهن به پا خیزند
که بادهای تند آنها را نلغزاند، و جز نبرد ندانند و
نخواهند و بر خدا توکل دارند.»

سخن رهبری



دهه فجر در حقیقت مقطع رهایی ملت ایران است... آن
بخشی از تاریخ ما است که گذشته را از آینده جدا کرده...
حاکمیت و مناسبات حاکم و مردم در این کشور قبل از
دوران حکومت اسلامی و جمهوری اسلامی همواره رابطه
غیر اسلامی بوده، رابطه سلطان و رعیت بوده، رابطه غالب
و مغلوب بوده. همه کسانی که در این جا آمدند و حکومت

۱. بحار الأنوار؛ ج ۵۷، ص ۲۱۶.



کردند، احساس کردند که بر این مردم غلبه پیدا کردند. از این آخری‌اش که رضاخان و پسرش بودند شما بگیرید و همین‌طور عقب بروید... همیشه روابطشان با مردم «ما فرمودیم» است. «من به ملت عرض می‌کنم» که امام می‌گفت، مال جمهوری اسلامی بود، مال اسلام بود؛ «من خدمتگزار ملت» - که رفتارش هم همین‌جور بود با مردم - مال امام اسلامی ما بود... رابطه را از این کلمات می‌شود فهمید.

... دهه فجر آمد این سلسله غلط، این هندسه معیوب، این رشته بیمار را قطع کرد... آن دوره‌ای که حکومت غالب است و فاتح است و آقا است و قدر قدرت است و صاحب اختیار است، گذشت؛ دوره‌ای آمده که اگر آقای هست، خود مردمند. یک وقت یک امامی را قبول داشتند، می‌آید سر کار و می‌شود مظهر قدرت مردم؛ از خودش چیزی ندارد، از پدرش چیزی به ارث نبرده، با شمشیرش چیزی را به دست نیاورده علیه مردم؛ شمشیر مردم دست او است، می‌زند تو سر ضد مردم، تو سر مهاجم، تو سر استعمارگر، تو سر توطئه‌چی، تو سر کودتاچی، نه مردم. هر وقت هم مردم اراده کنند و شمشیر را از دستش بگیرند، مال خودشان

است، دودستی تقدیم می‌کند؛ طلبی از کسی ندارد. ببینید، بنای حکومت جمهوری اسلامی این است. این برکات، این انتقال مهم، این تغییر خط در نقطهٔ دههٔ فجر انجام گرفته. این لحظهٔ تاریخی، لحظهٔ مهمی است. شما ولادت یک نفر را، مثلاً ولادت پیغمبر را جشن می‌گیرید، ولادت ائمه را جشن می‌گیرید... ولادت‌ها چرا اهمیت دارند؟ چرا ارزش دارند؟ برای خاطر این‌که یک مقطع حساس و تعیین‌کننده‌اند، یک نقطهٔ عطفند، یک پیچشند در تاریخ؛ تاریخ در یک خطی داشت می‌رفت که در این لحظه پیچید به یک سمت دیگر... خب، اگر ما با این حساب نگاه کنیم، اهمیت دههٔ فجر خیلی زیاد است.

ما در تاریخمان دیگر واقعاً مثل دههٔ فجر نداریم. حتی اسلام با آن عظمت در دههٔ فجر برای ما اثر بخشید؛ غیر از این است؟ اسلامی که نبی اکرم صلی الله علیه و آله آورد، اثرش را در روزگار اموی‌ها و عباسی‌ها به ما نبخشید، آثار درجهٔ دو را به این ملت داد... عامهٔ مردم، تودهٔ مردم، نظام اجتماعی، خیری از آن برکات ندید؛ آن برکات امروز دارد خودش را نشان می‌دهد. البته دههٔ فجر جزو رشحات اسلام است؛ نه این‌که خیال کنید دههٔ فجر منهای اسلام یک چیزی است؛ دههٔ فجر منهای اسلام یک پول هم ارزش ندارد. دههٔ فجر آن

آینه‌ای است که خورشید اسلام بالأخره در آن درخشید و منعکس شد به ما. اگر این آینه نبود، باز هم مثل همان دوران‌های تاریک و قرون خالیۀ سالفه بایستی ما می‌نشستیم و اسمی از اسلام می‌آوردیم؛ با حلواحلوا هم که دهن شیرین نمی‌شود.

... خاطرهٔ امام رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ بیش از همیشه در بیست و دوم بهمن است؛ خاطرهٔ امام رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ در دهۀ فجر است؛ حتی این بیشتر از سالگرد امام و مراسم رحلت امام رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ، نشان‌دهندۀ شخصیت امام رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ است؛ چون این ولادت امام رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ است؛ در حقیقت، ولادت امامت است در این کشور؛ به همان معنایی که خود امام رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ ترسیم کرده و اسلام برای ما ترسیم کرده. قبل از آن، امام رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ رهبر مبارزه بودند، رهبر نهضت بودند، [اما] از روز ورود به کشور و تشکیل دولت اسلامی «امام امت اسلامی» شدند؛ این مهم‌تر از خاطرهٔ درگذشت است. سعی کنید که راه‌پیمایی را هر چه با عظمت‌تر [برگزار کنید].^۱

۱. بیانات در دیدار اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی و مسئولان ستاد برگزاری دهۀ فجر انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹/۱۰/۱۱.

ایده‌های کنشگری



- اگر در جمع‌تان افرادی حضور دارند که خاطراتی از روزهای منتهی به دههٔ فجر ۱۳۵۷ یا حتی سال‌های دیگر دارند، از آنان بخواهید روایتشان را بیان کنند. ثبت و شنیدن تجربه‌های زیسته، از راه‌های زنده‌نگه‌داشتن حافظهٔ تاریخی و پیوند نسل‌هاست.
- اگر نوجوانان و جوانانی در جلسه حضور دارد یا با آن‌ها در ارتباط هستید، با یادآوری مسئولیت ما و آن‌ها در تحقق آرمان‌های انقلاب، دههٔ فجر را به‌عنوان نقطهٔ آغاز و طلوعهٔ مسیر تاریخی به آن‌ها معرفی کنید، نه پایان آن. راه هنوز ادامه دارد.



۱۴ بهمن - روز فناوری فضایی

آیه محوری



﴿يَا مَعْشَرَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَاَنْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ﴾؛
«ای گروه جن و انس! اگر می‌توانید از کرانه‌ها و
نواحی آسمان‌ها و زمین بیرون روید، پس بیرون
روید؛ نمی‌توانید بیرون روید مگر با نوعی توانایی و
قدرت.»

۱. سوره مبارکه الرحمن/۳۳.

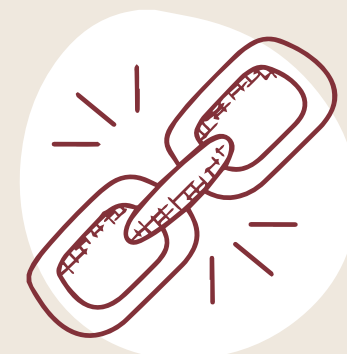


دربارهٔ مناسبت



در ۱۴ بهمن ۱۳۸۷، با پرتاب موفق نخستین ماهوارهٔ تمام ایرانی «امید»، آرزوی حضور مستقل در فضا قدم به صفحهٔ واقع گذاشت و جمهوری اسلامی ایران در زمرهٔ کشورهایی قرار گرفت که به دانش، زیرساخت و ارادهٔ لازم برای طراحی، ساخت و پرتاب ماهواره دست یافته‌اند؛ نشانه‌ای از دستاوردها و رشد علمی کشور. سال‌ها پیش از آن، عده‌ای در این سرزمین معتقد بودند که ایرانی قادر نیست حتی یک لوله‌نگ هم بسازد و محکوم است به تماشای پیشرفت دیگران و نهایتاً یک مصرف‌کنندهٔ صرف فناوری بودن؛ اما جوانان ایرانی با توکل بر خدا، خودباوری و دانش بومی خط بطلانی بر این خیال مسموم ریشه‌دار کشیدند. این پرتاب موفق، حاصل سال‌ها تلاش پیوستهٔ دانشمندان، مهندسان و پژوهشگرانی بود که علی‌رغم محدودیت‌ها و تحریم‌ها، مسیر دشوار فناوری‌های پیشرفته را با اتکا به توان داخلی پیمودند و نشان دادند که فضا قلمروی انحصاری قدرت‌های بزرگ نیست و «ما می‌توانیم».

ارتباط آیه و مناسبت



عبور از کرانه‌های آسمان و زمین ممکن است؛ اما نه با آرزو، ادعا و هیاهو. این مسیر، فقط با تکیه بر علم، تدبیر، نظم و سازمان‌یافتگی گشوده می‌شود. فتح عرصه فضا، حاصل خواستن صرف نیست؛ برآیند انباشت دانش، انضباط نهادی و پیگیری مستمر است؛ همان منطقی که تاریخ پیشرفت ملت‌ها را رقم زده است.

پیشرفت ملت‌های مستقل، همواره برای قدرت‌های مسلط دردناک بوده است. آنان ترجیح می‌دهند کشورها در مدار وابستگی باقی بمانند و دست نیاز به سوی مراکز قدرت دراز کنند؛ از این رو، هر جا نشانه‌ای از استقلال و نیرومند شدن ببینند، شبکه‌ای از موانع، فشارها و تحریم‌ها را فعال می‌کنند. با این حال، تجربه تاریخی نشان داده است که هیچ مانعی نتوانسته مسیر ملتی را که به دانش و اراده خود تکیه کرده برای همیشه مسدود کند.

امروز، فناوری فضایی یکی از میدان‌های اصلی رقابت قدرت‌هاست؛ عرصه‌ای که امنیت، اقتصاد، مدیریت بحران، ارتباطات و حکمرانی داده در آن به هم گره خورده‌اند. ورود ایران به این میدان، تجملی و تخیلی نیست؛ پاسخی عقلانی

و ضروری است به الزامات راهبردی یک کشور مستقل است که می‌خواهد تصمیم‌ساز باشد، نه تصمیم‌پذیر.

تعمیق و توسعه فناوری فضایی مستقیماً در ارتقای کیفیت زندگی مردم و جهش در سطوح مختلف علم و فناوری اثرگذار است. دسترسی به داده‌ها و اطلاعات ماهواره‌ای، امکان رصد، تحلیل و مدیریت عوامل قدرت کشور را فراهم می‌کند؛ از صنعت و شبکه‌های حمل‌ونقل گرفته تا کشاورزی، منابع طبیعی و معدنی، نفت و گاز و فلزات نادر. این رصد ابزاری راهبردی برای تصمیم‌سازی دقیق، آینده‌نگری و صیانت از منافع ملی به شمار می‌آید. در کشوری با پهنه جغرافیایی گسترده، تنوع اقلیمی، مناطق صعب‌العبور، فواصل زیاد میان شهرها و روستاها و حضور تأسیسات حیاتی در آب‌های خلیج فارس، دریای عمان و دریای خزر، توسعه سرویس‌های ماهواره‌ای ضرورتی آینده‌نگرانه برای بهره‌مندی نسل‌های آتی است.

فناوری فضایی، خود به تنهایی مقصد نیست؛ پیشران زنجیره‌ای گسترده از علوم و صنایع است. از رایانه و الکترونیک تا مکانیک، فیزیک، علم مواد و ده‌ها عرصه دیگر، همگی در سایه این فناوری رشد می‌کنند و هریک، ستونی از بنای پیشرفت ملی را استوارتر می‌سازند تا با

عبور از مرزهای وابستگی به سوی اقتدار دانشی حرکت کنیم؛ مسیری دشوار اما گریزناپذیر که هر ملتی برای حفظ استقلال، امنیت و آینده خود ناگزیر از پیمودن آن است.

کلام معصوم



أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «مَنْ رَقِيَ دَرَجَاتِ الْهِمَمِ عَظَّمَتْهُ الْأُمُورُ»^۱
امیرالمؤمنین علیه السلام: «هر کس درجات همت را طی کند و بالا رود مردم بزرگش شماراند.»

سخن رهبری



ما باید امید به کار و تلاش را در کشور روزبه‌روز افزایش بدهیم... یک‌عده‌ای دائم دارند مثل زمزمه‌های خطرناک و مضر به گوش مردم می‌خوانند که فایده‌ای ندارد، نمی‌توانیم، امکان ندارد؛ در حالی که امکان دارد، ما خیلی کارهای بزرگ را می‌توانیم انجام بدهیم. ببینید، من این را می‌خواهم عرض بکنم که ما وقتی می‌توانیم یک ماهواره‌بر با این کیفیت درست کنیم که بتواند با این سرعت، یعنی

۱. غرر الحکم؛ ج ۱، ص ۶۲۱.



۷۵۰۰ متر بر ثانیه حرکت بکند - یعنی در یک ثانیه هفت و نیم کیلومتر - وقتی می‌توانیم ماهواره خودمان را در مدار مورد نظرمون قرار بدهیم، پس باید بتوانیم خیلی از کارهای دیگر را هم انجام بدهیم. آن کسی که امروز این ماهواره‌ها را تولید می‌کند و این ماهواره را به فضا می‌رساند، همین آدم، همین نیت، همین دست خواهد توانست چند صباح دیگر همین ماهواره را به مدار ۳۶ هزار کیلومتری برساند که مورد نظر ما است؛ ما می‌خواهیم ماهواره به مدار ۳۶ هزار کیلومتری [برسد]؛ این قطعاً خواهد شد، این امکان قطعاً وجود دارد.

... وقتی امید بود، وقتی احساس پیشرفت بود، وقتی احساس توانایی بود، این پیش می‌آید؛ عرض من این است. حالا بعضی‌ها می‌گویند که مثلاً فرض کنید «آقا! این که شما اظهار خوشوقتی می‌کنید که ماهواره پرتاب کردید یا فلان، موجب این نیست که [کشور امنیت پیدا کند]. ماهواره و سلاح و مانند این‌ها نمی‌تواند کشور را امنیت بدهد و عمده مسائل اقتصادی است». خب این کارها را، این حرف‌ها را ما می‌دانیم، این‌ها را بلدیم، نه این که این را ندانیم. حرف من این است: من می‌گویم وقتی که می‌توانیم در بخش نظامی یا فرض کنید در بخش پرتاب

ماهواره فضایی یک چنین حرکت بزرگی را انجام بدهیم، چرا نتوانیم اتومبیلی، خودرویی تولید کنیم که در صد کیلومتر مثلاً پنج لیتر بنزین لازم داشته باشد؟ دائم متوقف بشویم در اتومبیلی یا خودرویی که مثلاً فرض کنید دوازده لیتر یا ده لیتر یا هشت لیتر مصرف می‌کند. یعنی این توانایی وقتی در ما وجود دارد، این روحیه ابتکار وقتی در ما وجود دارد، در همه بخش‌های کشور وجود خواهد داشت؛ هم در بخش صنعتی، هم در بخش‌های گوناگون دیگر [نظیر] کشاورزی و خدماتی. حرف ما این است.^۱

ایده‌های کنشگری



• در جلسه خود، از یک کارکرد ملموس فناوری فضایی در زندگی مردم یا مسائل کشور یاد کنید؛ مانند نقش تصاویر ماهواره‌ای در مدیریت سیل، کشاورزی یا پایش منابع طبیعی. آخرین نمونه آن پایش آتش‌سوزی در جنگل‌های هیرکانی. یادآوری ثمرات عملی علم می‌تواند نگاه‌ها را به ضرورت پیشرفت علمی و اتکای به توان داخلی متوجه‌تر کند و حس مسئولیت و امید را افزایش دهد.

۱. بیانات در ارتباط تصویری با مجموعه‌های تولیدی، ۱۳۹۹/۰۲/۱۷.

• کتاب «امواج اراده‌ها» از انتشارات راه‌یار را در جلسه معرفی کنید. این کتاب با هدف بازخوانی مسیر پیشرفت ایران، مخاطبان را با دستاوردهای ملی آشنا می‌کند و نشان می‌دهد که کشور از چه مسیرهایی عبور کرده و اکنون در چه جایگاهی قرار دارد.



۲۲ بهمن - سالروز پیروزی انقلاب اسلامی

آیه محوری



﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي
وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾؛ «امروز دین شما را به
کمال رسانیدم و نعمت خود بر شما تمام کردم و
اسلام را دین شما برگزیدم.»

۱. سوره مبارکه فصلت/۳.

دربارهٔ مناسبت



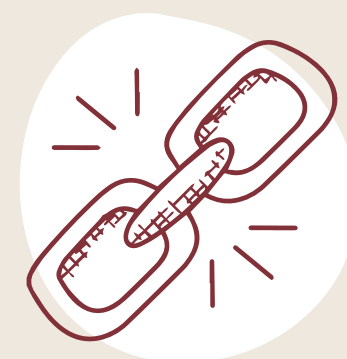
یوم‌الله ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ لحظه‌ای گره‌گشا در سرنوشت ملت ایران است؛ روزی که ارادهٔ جمعی مردم با اتکا بر ایمان دینی، رهبری تاریخی امام خمینی رحمة الله علیه و حضوری واسطه و آگاهانه در صحنه، معادلات قدرت را بر هم زد و پروژه‌ای دیرپا از سلطه، تحقیر و وابستگی را فرو ریخت. در این روز، دست قدرت الهی در ارادهٔ ملتی به پا خاسته متجلی شد و «خون بر شمشیر» غلبه یافت؛ روزی که پایان رژیم رق‌م خورد که بقای خود را در پیوند با استعمار و سرکوب جست‌وجو می‌کرد و فجری پدید آمد که استقلال، آزادی و جمهوریت را به مثابهٔ یک انتخاب تمدنی پیش روی ملت ایران نهاد.

پیروزی انقلاب اسلامی نه محصول تصادفی تاریخی بود و نه نتیجهٔ فروپاشی ناگهانی قدرت؛ بلکه برآیند روندی عمیق و تاریخی در بلوغ یک ملت بود؛ ملتی که شکست‌ها و انحراف‌های تجربه‌های پیشین - به‌ویژه مشروطه - را از سر گذرانده و این بار عزم کرده بود خطاهای گذشته را تکرار نکند.

اعلام حکومت نظامی در ۲۱ بهمن و تدارک کودتا، کوششی واپس‌گرایانه برای بازگرداندن تاریخ به عقب و احیای

همان مسیرهای شکست خورده بود؛ اما فرمان قاطع امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ مبنی بر حضور همگانی در خیابان‌ها، این توطئه را از بنیاد بی‌اثر ساخت. مردم، با سلاح ایمان خیابان‌ها را پر کردند و نشان دادند که قدرت واقعی در ارادهٔ اجتماعی و مشروعیت مردمی است. فردای آن شب، با تصرف مراکز نظامی و رسانه‌ای و اعلام بی‌طرفی ارتش، انقلاب به پیروزی رسمی رسید و صدای «این‌جا تهران است، صدای راستین ملت ایران» سرآغاز فصلی نو در تاریخ معاصر ایران شد.

ارتباط آیه و مناسبت



اگر در غدیر مسیر هدایت کامل و مشخص شد، ۲۲ بهمن یوم‌الله کامل شدن امکان تحقق نعمت آن بر ایرانیان بود؛ روزی که راه بهره‌مندی از اسلام، آزادی، رشد و آینده‌گشوده شد.

انقلاب اسلامی، نعمت اسلام را از حاشیهٔ کتاب‌ها و مناظر به متن حیات اجتماعی آورد. دینی که سال‌ها در حد مناسک فردی فروکاسته می‌شد، دوباره به‌عنوان نقشهٔ راه زندگی، سیاست، عدالت و کرامت انسانی مطرح شد.

۲۲ بهمن روز رهایی از یوغ استعمار نیز هست: استعمار نظامی، اقتصادی و اراده‌ها و ذهن‌ها. ملتی که به او باورانده

بودند که بدون بیگانه نمی‌تواند بایستد، در این روز ایستاد و گفت می‌شود مستقل بود، می‌شود خود تصمیم گرفت، می‌شود هزینه استقلال را پرداخت و «ما می‌توانیم».

انقلاب آغاز مسیری سخت و طولانی بود. نعمتی که در ۲۲ بهمن کامل شد، نعمت «امکان رشد» بود؛ امکان دانش‌آفرینی، امکان خودباوری، امکان ساختن آینده‌ای که نسخه‌اش را دیگری دیکته نمی‌کند.

۲۲ بهمن نقطه اتصال تاریخ به آینده است. انقلابی که محدود به یک نسل و یک مقطع نیست، همواره است، هرروز است، هر لحظه است و در تک‌تک باورمندان‌ش تبلور می‌یابد. انقلاب حلقه‌ای از زنجیر بلند تحقق وعده‌های الهی است. زمینه‌سازی ظهور از عدالت‌خواهی، ظلم‌ستیزی، رشد اخلاقی و آمادگی اجتماعی می‌گذرد. انقلابی که در این افق تعریف می‌شود، هر روز باید خود را کامل‌تر کند.

این یوم‌الله، روز تکمیل تکلیف نیز هست. نعمتی که داده شد، مسئولیتی سنگین به همراه آورد. همان‌گونه که پس از اكمال دین، خطر بازگشت و انحراف گوشزد می‌شود، پس از ۲۲ بهمن نیز مراقبت از مسیر، شرط ماندگاری نعمت است. انقلاب میراثی ویتروینی نیست، راهی‌ست که هر روز می‌بایست آن را پیمود.

کلام معصوم



رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «يَخْرُجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُوطِنُونَ لِلْمَهْدِيِّ
يَعْنِي سُلْطَانَهُ.»^۱

رسول خدا ﷺ: «مردمی از مشرق قیام می‌کنند و
زمینه حکومت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيف را فراهم می‌آورند.»

سخن رهبری

تا هنگام ظهور و اوج نهضت اسلامی، دویست سال شد که ملت ایران در مقابل تحقیر ظالمانه دشمنان مسلط خارجی هم دائماً تحقیر شد و زیر فشار قرار گرفت. از روزی که پای خارجی‌ها - به عنوان قدرت‌های مسلط آن روز عالم - به این کشور باز شد، دخالت سیاست‌های خارجی در کشور ما شروع شد.

... فرهنگ اسلامی مردم و استعداد مردم و آرزوهای سیاسی مردم از سوی استعمارگران و قدرت‌های دخالت‌گر به کلی به باد استهزا گرفته شده بود. مردم ما آماده بودند برای این که یک حرکت انجام بدهند. رهبر بزرگی لازم بود و تفکر

۱. بحار الأنوار؛ ج ۱۴، ص ۳۲۳.



صحیحی که آن‌ها را هدایت بکند؛ این تفکر صحیح، همان تفکر اسلامی بود که در اعماق جان مردم، ریشه‌ایمانی و اعتقادی داشت؛ و آن رهبر بزرگ و انسان بزرگ هم همان بزرگمردی بود که خدا او را برگزید در زمان ما و در قرن ما برای نجات این ملت، بلکه نجات همه مستضعفین و به خصوص مسلمان‌ها؛ و این انقلاب عظیم انجام گرفت. انقلاب زندگی مردم، نشاط مردم، ایمان مردم را به آن‌ها برگرداند. ما امروز یک ملت زنده هستیم... همه این‌ها به برکت این انقلاب و به برکت آن انسان بزرگ - آن امام به حق، حقیقتاً وارث پیغمبران و شخصیت برجسته دوران ما - است؛ و همه به برکت اسلام است. عظمت شخصیت امام و ملت ما هم به برکت اسلام است.

من می‌خواهم به ملت عزیزمان عرض کنم که دهه فجر را و بیست و دوم بهمن را قدر بدانید. این خاطره، بزرگ‌ترین خاطره ملت ما بعد از ورود اسلام به سرزمین ما و مرزهای ما است. البته دشمنان اسلام و دشمنان انقلاب با یاد انقلاب و یاد دوران پیروزی انقلاب هم دشمنند؛ علی‌رغم آن‌ها، خاطره انقلاب را بزرگ بشمارید... آنچه آن‌ها با آن روبه‌رو هستند، اسلام است. دائماً می‌خواهند بر اسلام عیب‌گیری و عیب‌جویی کنند و ایراد بگیرند. به هر کیفیتی که ملت ما زندگی بکند، به هر پیشرفتی که شما نائل بشوید، در همه

جریان‌های زندگی، دشمن از بدگویی نسبت به انقلاب و نسبت به کشور و نظام اسلامی باز نخواهد نشست. آن کاری که او می‌تواند بکند، تبلیغ است؛ تبلیغ علیه اسلام و علیه انقلاب. علی‌رغم دشمن، شما دست‌آورد بزرگ انقلابتان را قدر بدانید: اسلام را، نظام اسلامی را، نظام انقلابی را، این راهی را که امام ترسیم کردند در مقابل ملت ما - راه آزاد زیستن، راه کامل شدن، راه ساختن زندگی به آن شکلی که مورد رضای خدا و دستور اسلام است، [یعنی] سازندگی حقیقی زندگی و عدم‌سازش با قدرت‌های ضداسلامی - این‌ها درس‌های بیست‌ودوم بهمن است برای ما.

بیست‌ودوم بهمن، عید حقیقی برای ملت ما است؛ بیست‌ودوم بهمن برای ملت ما در حکم عید فطری است که ملت در آن از یک دوران روزه سخت خارج شد، دورانی که محرومیت از تغذیه معنوی و مادی را بر ملت ما تحمیل کرده بودند؛ بیست‌ودوم بهمن در حکم عید قربان است زیرا در آن روز و به آن مناسبت بود که ملت ما اسماعیل‌های خودش را قربانی کرد؛ بیست‌ودوم بهمن در حکم عید غدیر است [زیرا] در آن روز بود که نعمت ولایت - اتمام نعمت و تکمیل نعمت الهی - برای ملت ایران صورت عملی و تحقق خارجی گرفت؛ در حکم نوروز واقعی برای ملت ما است زیرا که حقیقتاً از دوران سخت و سیاه یک زمستان تلخ،

ملت ما خارج شد؛ عید واقعی است. البته فقط به اینکه ما آن روز را عید بدانیم مسئله تمام نمی‌شود. بیست و دوم بهمن و دهه فجر باید برای ما روز بازیابی خاطره‌های انقلاب باشد، روزی باشد که ما تجدید عهد کنیم با انقلابمان، با اماممان، با اسلاممان و همه تصمیم بگیریم برای اینکه این راه روشن و منور را به بهترین وجهی تا آخر پیماییم.^۱

ایده‌های کنشگری



- اگر امکان‌ش را دارید، بخشی از وصیت‌نامه یا سخنان امام خمینی رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ درباره استکبارستیزی، آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب، نقش مردم در آن و... را در جلسه بخوانید. بازخوانی نظرات امام رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ می‌تواند یادآور افق‌های فکری انقلاب و معیارهای اصیل آن باشد.
- سعی کنید به صورت خودجوش در شهر یا محله‌تان نمادهای سالروز پیروزی انقلاب را نصب نمایید، جشن یا موکبی برگزار کنید و این آیین را از نگاه مردمی به پا دارید. دوری از نگاه‌های سازمانی، می‌تواند خلاقیت را بیشتر کند و یادآور اصل مردمی‌بودن انقلاب شود.

۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۶۸/۱۱/۰۴.



۲۹ بهمن - روز اقتصاد مقاومتی و کارآفرینی

آیه محوری



﴿وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى﴾؛ «برای انسان جز آنچه
تلاش کرده هیچ نصیب و بهره‌ای نیست.»

۱. سوره مبارکه نجم/۳۹.

دربارهٔ مناسبت



از سال ۱۳۹۷ که ۲۹ بهمن به عنوان «روز اقتصاد مقاومتی و کارآفرینی» نام‌گذاری شد، قرار بود یادآور یک پرسش اساسی باشد: اقتصاد ایران چگونه می‌تواند روی پای خود بایستد بدون آن‌که از جهان بریده یا در برابر تکانه‌ها و تحریم‌ها فرسوده شود؟

در یک دههٔ گذشته، اقتصاد به یکی از محورهای اصلی راهبری کلان کشور بدل شده است. در بهمن‌ماه ۱۳۹۲ رهبر انقلاب رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی را ابلاغ کردند و نقشهٔ راه مواجههٔ فعال با چالش‌های ساختاری اقتصاد ایران شکل گرفت. از آن پس، جهت‌گیری اقتصادی سال‌های پیاپی حول همین چارچوب تعریف شد: چابک‌سازی اقتصاد، افزایش قدرت رقابت، کاهش آسیب‌پذیری و عبور از گلوگاه‌های مزمن تولید و معیشت. مفهوم اقتصاد مقاومتی نخستین بار در شهریور ۱۳۸۹، در دیدار کارآفرینان با رهبر انقلاب وارد ادبیات رسمی کشور شد. در این دیدار، رهبر انقلاب رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ بر دو واقعیت تأکید داشتند: فشار فزایندهٔ دشمنان و تحریم‌های اقتصادی،

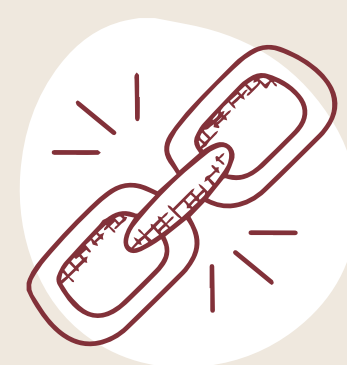


و آمادگی بالقوه کشور برای یک جهش؛ تهدید و فرصت توأمان.

با تشدید تحریم‌های یک‌جانبه و غیرانسانی غرب علیه جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه با هدف متوقف‌کردن برنامه‌های صلح‌آمیز هسته‌ای، این مفهوم به ضرورت عملیاتی ارتقایافت: تکیه بر منابع داخلی، کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی و بازتعریف نقش مردم و بخش خصوصی در اقتصاد لازمه پیشرفت و بقا به شمار می‌روند.

در این میان، کارآفرینی حلقه اتصال نظریه به عمل است. در ساختار سنگین دیوان‌سالاری، مفاهیم مترقی نیز به شعارهای تکراری بدل می‌شوند. برای دوری از این گزند، باید اقتصاد مقاومتی با ابتکار، نوآوری، تولید دانش‌بنیان و خلق ارزش توسط کارآفرینان به نیروی زنده و پیشران بدل شود.

ارتباط آیه و مناسبت



اقتصاد مقاومتی از جایی معنا پیدا می‌کند که جامعه بفهمد معیشت، تولید، پیشرفت و حتی عزت اقتصادی، با امضا و بیانیه و وام خارجی ساخته نمی‌شود؛ با کار، تلاش، خلاقیت

و اراده و عرق جبین ریختن به دست می‌آید.

اقتصاد مقاومتی اقتصاد تن‌پروری و حاضری‌خور و چشم‌دوخته به دست دیگران نیست. ضدذهنیتی که گمان می‌کند اگر درهای جهان باز شود، به چشم برهم‌زدنی همه چیز درست می‌شود. نصیب جامعه محصول «سعی» آن است. باور به این که ظرفیت این ملت، بیش از آن است که در صف انتظار گشایش‌های تحمیلی تحلیل برود.

کارآفرینی در این منظومه، شغل لوکس و پا روی پا انداختن نیست. کسی که کارخانه راه می‌اندازد، ایده‌ای را به محصول تبدیل می‌کند، یا گرهی از تولید باز می‌کند، شب‌بیداری دارد، سختی دارد، بی‌پولی دارد اما به وظیفه دینی و ملی‌اش عمل کرده است. او نشان می‌دهد «سعی» هنوز کار می‌کند و می‌تواند موتور یک ملت را روشن نگه دارد.

جامعه‌ای که می‌خواهد بایستد، مستقل باشد و سری در میان سرها در بیاورد، باید بداند ایستادن خرج دارد؛ و این خرج را نه از جیب دیگران، نه از سفره نفت و خام‌فروشی، بلکه باید با همت خودش پرداخت کند.

کلام معصوم



أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «مَا عَالَ إِمْرُؤٌ فِي إِقْتِصَادٍ»^۱
 امام کاظم علیه السلام: هیچ کس با زندگی مقتصدانه
 دستخوش فقر نمی‌شود.

سخن رهبری



ما اول چیزی که لازم است برای دانش‌آموز خودمان در نظر بگیریم، این است که در او هویت مستقل ملی و دینی به وجود بیاوریم؛ این اولین چیز؛ هویت مستقل و باعزت. جوانمان را جوری بار بیاوریم که دنبال سیاست مستقل باشد، دنبال اقتصاد مستقل باشد، دنبال فرهنگ مستقل باشد؛ وابستگی، رکون به دیگران، اعتماد به دیگران و تکیه به دیگران در وجود او به عنوان یک روحیه رشد نکند. ما از این جهت دچار آسیبیم.

... هویت مستقل، اولین چیزی است که ما بایستی در جوان خودمان، در نوجوان خودمان رشد بدهیم و پرورش

۱. وسائل الشیعة؛ ج ۱۲، ص ۵۲.



بدهیم. بعد آن وقت اقتصاد مقاومتی معنا پیدا می‌کند. این جور نیست که بعد ما برای اینکه بخواهیم اقتصاد مقاومتی انجام بگیرد، مسئولین بالای دولتی بیایند بنشینند صد جلسه پشت سرهم تشکیل بدهند و مرتب آیین‌نامه، مرتب بخشنامه، مرتب فلان؛ آخرش هم حالا به آن صورتی که کامل است انجام نگیرد. ... وقتی روحیه، روحیه استقلال و مقاومت و ایستادگی در مقابل دیگران نیست، خب سخت است دیگر. وقتی عادت می‌کنیم که یک ذخیره‌ای را - که در خانه‌ها معمولاً خانواده‌های عاقل و با فکر ذخیره‌هایی نگه می‌دارند برای خودشان؛ ما هم یک ذخیره خداداد داریم و آن نفت است - مرتب در بیاوریم و بفروشیم، مرتب در بیاوریم و بفروشیم، بدون ارزش افزوده؛ یک وقت این را تبدیلش می‌کنیم به یک چیزی که دارای ارزش افزوده است، خیلی خب، قابل قبول است، اما نه خیر، بدون هیچ ارزش افزوده‌ای، همین [فقط] در می‌آوریم و می‌فروشیم. بعضی از این رؤسای کشورها که آمده‌اند پیش ما، گله کرده‌اند که ما تراز تجاریمان با شما همسان نیست، شما به ما بیشتر می‌فروشید و کمتر می‌خرید، بنده مکرر به چندین نفر از این‌ها گفته‌ام که آنچه شما می‌خرید، عمده‌اش نفت است؛ نفت یعنی پول، نفت یعنی طلا؛ ما ارزش افزوده‌ای از نفت به دست نمی‌آوریم؛

ثروتمان را از زیر خاک در می آوریم و می دهیم به شما. این را نمی شود در حساب تراز تجاری قرار داد. این ها مهم است. هویت مستقل وقتی بود، از این جور زندگی کردن انسان دور می شود؛ آن وقت اقتصاد مقاومتی معنا پیدا می کند، اقتصاد بدون نفت معنا پیدا می کند، فرهنگ مستقل معنا پیدا می کند.^۱

ایده های کنشگری



- در جلسه از حاضران بخواهید یک نیاز روزمره زندگی خود را نام ببرند که معمولاً برایش «منتظر» می مانند؛ منتظر تصمیم بالا، کمک بیرونی یا حل شدن از جایی دیگر. سپس همان نیاز را دوباره صورت بندی کنید، این بار با یک سؤال کوتاه: اگر قرار باشد با سعی خودمان حل شود، چه می کنیم؟ گفت و گوی جمعی را به سمت راه حل های ساده و در دسترس پیش ببرید؛ حتی اگر خام و ابتدایی باشند. در پایان، با یادآوری آیه محوری، جمع بندی کنید که اقتصاد مقاومتی از همین تغییر نگاه شروع می شود: جابه جایی از «انتظار» به «ابتکار»، از وابستگی ذهنی به احساس توانستن.

۱. بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۳/۰۲/۱۳۹۵.





مناسبت‌های قمری

۳ شعبان: ولادت امام حسین علیه السلام و روز پاسدار

۴ شعبان: ولادت حضرت ابوالفضل علیه السلام و روز جانباز

۵ شعبان: ولادت امام سجاد علیه السلام و روز صحیفه سجادیه

۱۱ شعبان: ولادت حضرت علی اکبر علیه السلام و روز جوان

۱۵ شعبان: ولادت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف



۳ شعبان - ولادت امام حسین عليه السلام و روز پاسدار

آیه محوری



﴿وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ﴾؛ «و آن را کلمه‌ای
پایدار در نسلش قرار داد.»

۱. سوره مبارکه زخرف/۲۸.

دربارهٔ مناسبت



سوم شعبان سال چهارم هجری، جبرئیل امین به فرمان حق روی به سوی حضرت رسول صلی الله علیه و آله آورد. در وقت فرود، به جزیره‌ای رسید که فرشته‌ای «فطرس» نام در آن بود. خدای متعال او را به کاری گماشته و فطرس در انجام آن درنگ کرده بود؛ پس پروبال شکسته در آن جزیره مانده بود و به عبادت مشغول.

چون جبرئیل را دید که باچند فوج از ملائکه تسبیح‌گویان و تهلیل‌کنان می‌گذشتند، گفت: «چه حادثه است؟ مگر قیامت برپا شده؟» جبرئیل گفت: «نه؛ محمد صلی الله علیه و آله را فرزندی در وجود خواهد آمد. حق تعالی ما را فرموده تا او را به سبب این کرامت تهنیت گوییم.» فطرس گفت: «آیا توانی مرا نیز با خود بری؟ شاید رسول اکرم صلی الله علیه و آله مرا شفاعت کند.»

جبرئیل او را با خود به خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله برد. سحرگاه، حسین صلی الله علیه و آله به عالم ماده قدم درنهاد. چون خبر ولادت به پیامبر صلی الله علیه و آله رسید، به خانهٔ علی علیه السلام و فاطمه علیهما السلام شتافت و به اسماء فرمود کودک را بیاورد. اسماء نوزاد را در حریری پیچیده، نزد رسول خدا آورد. پیامبر او را بوسید و در گوش راستش اذان و به گوش چپش اقامه گفت.



در این هنگام امین وحی، جبرئیل، فرود آمد و گفت: «سلام خداوند بر تو باد، ای رسول خدا. این نوزاد را به نام پسر کوچک هارون، شبیر، که در عربی حسین خوانده می‌شود، نام بگذار؛ چرا که علی برای تو همان منزلت هارون را به موسی دارد، جز آن‌که تو خاتم پیغمبرانی.»

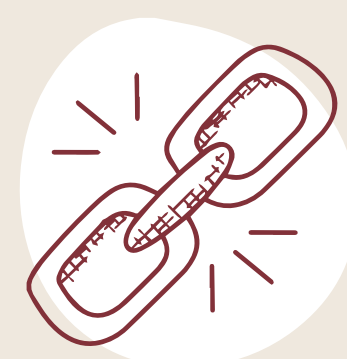
سپس ایشان را تهنیت گفت و نیز تعزیت داد. رسول خدا ﷺ دیدگانش پر از اشک شد و فرمود: «آیا از امت من کسی او را خواهد کشت؟» جبرئیل گفت: «آری؛ گروهی از اشقیاء.» پیامبر فرمود: «من از ایشان بیزارم و خدا نیز از آنان بیزار است.» آن‌گاه جبرئیل گفت: «ای رسول خدا، نزد فاطمه برو و سلام خدای متعال و سلام مرا برسان و تهنیت و تعزیتش ده.»

رسول خدا ﷺ نزد فاطمه علیها السلام شد، سلام حق تعالی و سلام جبرائیل رساند و تهنیت و تعزیت را. چون سخن از تعزیت به میان آمد، فاطمه علیها السلام گریست و گفت: «ای پدر، آیا فرزندم در کودکی شهید می‌شود یا در بزرگی؟» فرمود: «او شهید نخواهد شد مگر آن‌گاه که از صلب او امامی پدید آید؛ امامی که پدر امامان و معصومان و حجت خدا در زمین باشد.»

پس جبرئیل حال فطرس را بازگفت. رسول خدا ﷺ دست حسین علیهما السلام را بر او نهاد؛ و خدای متعال پر و بال فطرس را

به او بازگردانید. فطرس چون پر و بال خویش بازیافت، به سجده افتاد و گفت: «ای رسول خدا، به برکت این مولود، مرا حیاتی تازه بخشیدند. من از این پس، مأمورم که سلام هر که بر حسین فرستد به او برسانم و درود دوستدارانش را به آستانش عرضه دارم.» آن گاه با پره‌ای نوحاسته، به سوی آسمان اوج گرفت.

ارتباط آیه و مناسبت



امامت، صرفاً عنوان و مقامی تشریفاتی نیست؛ کلمه‌ای زنده، جاری و پایدار است که در نسل سیدالشهداء علیه السلام تداوم یافته و تا قیامت جریان دارد؛ آن گونه که امیرالمؤمنین علیه السلام تصریح فرموده‌اند: «وَفِينَا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ ﴿وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ﴾ وَالْإِمَامَةُ فِي عَقِبِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»^۱

در این منظومه، توحید و ولایت دو مفهوم به هم پیوسته‌اند و امام، حامل این پیوند که خود «قرآن ناطق» است؛ میزان حق در بزنگاه‌ها و چراغ راه در تاریکی‌های فتنه. از همین رو، شهادت امام حسین علیه السلام صرفاً حماسه‌ای تاریخی نیست؛ کربلا میدان پاسداری از ساحت توحید است، صحنه‌ای که

۱. کمال الدین و تمام النعمة؛ ج ۱، ص ۳۲۳.

در آن، مرز حق و باطل برای همه تاریخ ترسیم شد و کشتی نجات تا ابد راه را به پیروان نشان داد.

در امتداد این معنا، پاسدار در افق انقلاب اسلامی، فقط یک نقش سازمانی ندارد؛ او وارث همان مسئولیت تاریخی است که بردوش اولیای الهی نهاده شد: صیانت از توحید در میدان عمل، پاسداری از ولایت در عرصه جامعه، و حراست از نظام اسلامی در برابر کج روی‌ها، تحریف‌ها و انحرافات.

کلام معصوم



رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «حُسَيْنٌ مِنِّي وَ أَنَا مِنْ حُسَيْنٍ أَحَبَّ اللَّهُ
مَنْ أَحَبَّ حُسَيْنًا»^۱

نبی اکرم ﷺ: حسین از من است و من از حسین؛
هر که حسین را دوست بدارد، خداوند دوست‌دار
اوست.

سخن رهبری

در زندگی حسین بن علی علیه السلام یک نقطه برجسته، مثل قله‌ای

۱. بحار الأنوار؛ ج ۴۳، ۲۹۶.

که همه دامن‌ها را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد وجود دارد و آن عاشورا است. ... قضیه عاشورا هم آن قدر مهم است که به زبان این زیارتی که امروز - روز سوم - وارد است، یا این دعایی که امروز وارد است، درباره حسین بن علی علیه السلام، چنین آمده است که «بکته السماء و من فیها والارض و من علیها ولمّا یطألاً بتّیها». هنوز پا به این جهان نگذاشته، آسمان و زمین بر حسین علیه السلام گریستند. قضیه این قدر حائز اهمیت است. یعنی ماجرای عاشورا و شهادت بزرگی که در تاریخ بی‌نظیر است، در آن روز اتفاق افتاد. این، جریانی بود که چشم‌ها به آن بود. به راستی این چه قضیه‌ای بود که از پیش تقدیر شده بود؟ «الموعود بشهادته قبل استهلاله و ولادته.» قبل از این که حسین بن علی علیه السلام چهره بنماید، با شهادت نامیده و خوانده می‌شد. به نظر می‌رسد که در این جا رازی وجود دارد، که برای ما آموزنده است.

... تا قبل از شروع قیام امام حسین علیه السلام، خواص هم حاضر نبودند قدمی بردارند. اما بعد از قیام امام حسین علیه السلام، این روحیه زنده شد. این، آن درس بزرگی است که در ماجرای عاشورا، در کنار درس‌های دیگر باید بدانیم. عظمت این ماجرا این است... لذا شما امروز وقتی نگاه می‌کنید، اسلام را زنده شده حسین بن علی علیه السلام می‌دانید. او را پاسدار اسلام

می‌دانید. تعبیر «پاسدار» تعبیر مناسبی است. پاسداری، آن وقتی است که دشمن وجود دارد. این دو دشمن -دشمن خارجی و آفت اضمحلال درونی- امروز هم وجود دارد و شما پاسدارید. مبادا گمان شود که دشمن در خواب است! مبادا گمان شود که دشمن از دشمنی منصرف است! چنین چیزی ممکن نیست.

... جوانان عزیز! در تاریخ، کم پیش می‌آید که عده‌ای از جوانان، در جامعه‌ای، چنین کار بزرگی بر دوششان گذاشته شده باشد. امروز این کار بزرگ بر دوش شما گذاشته شده است. صلاحیت‌های خودتان را حفظ کنید و بنیه معنوی خودتان را از همه چیز عزیزتر بدانید... آن جایی که معارضه پیش می‌آید، آرمان‌ها را مقدم بدانید. نیازها، همه زندگی نشود. نیازها، تعیین‌کننده در رفتار نشود. تعیین‌کننده در رفتار، آن مجاهدتی باشد که امروز بر دوش شماست. ... امروز شما موظفید و باید این نظام را حفظ کنید؛ آن هم پیراسته، سالم، به شکل خالص و به همان شکلی که بشود آن را به ولی عصر -ارواحنا فداه- تحویل داد. این، وظیفه بزرگ شما جوانان مؤمن است.

البته این وظیفه، مخصوص پاسداران نیست. پاسدار و غیر پاسدار، همه این وظیفه را دارند؛ اما پاسداران، در طول این

آزمایش‌های دشوارِ دوران‌های گذشته، نشان دادند که در این راه، از همه صادق‌تر، ثابت‌قدم‌تر و آماده‌ترند. جوانان مؤمن بسیجی ما نشان دادند که می‌توانند در این مراحل عظیم، به معراج بروند. شما میدان جنگِ راپشت سرِ خودتان گذاشتید. روزها و شب‌ها، حالات خوش معنوی راپشت سرِ خودتان گذاشتید. من به شما عرض می‌کنم: ای به معراج‌رفتگان! امروز که وارد زندگی معمولی شدید، مبادا دست‌آورد آن معراج را از دست بدهید! مبادا آنچه را که در آن جا با همین بینش معنوی احساس کردید، فراموش کنید!

ایده‌های کنشگری



- اگر در جمع شما پاسدارانی حضور دارند، از زحمات آن‌ها تقدیر کنید، به‌ویژه برای نقش‌شان در جنگ دوازده‌روزه و اغتشاشات اخیر.
- از حاضران بخواهید در حد چند جمله بگویند چه چیزی از روحیهٔ پاسداری، مسئولیت‌پذیری و ایستادگی می‌آموزند و چگونه می‌توانند در زندگی روزمره‌شان «پاسدار ارزش‌ها» باشند.

۱. بیانات در دیدار جمعی از پاسداران، ۱۳۷۱/۱۷/۰۶.





۴ شعبان - ولادت حضرت ابوالفضل روز جانباز

آیه محوری



﴿وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ﴾؛ «و دیگران را بر خویش ترجیح می دهند، گرچه خودشان را نیاز شدیدی باشد.»

۱. سوره مبارکه حشر/۹.

دربارهٔ مناسبت



حضرت عباس بن علی علیهما السلام از ستارگان فروزان آسمان ولایت‌مداری و پرچم‌دار وفاداری هستند. ایشان به عنوان بازوی توانمند و علم‌دار بی‌بدیل سیدالشهداء علیه السلام درخشید و با ایثار بی‌نظیر خویش، اسوهٔ فداکاری را برای تاریخ مجسم ساختند.

ایشان در چهارم شعبان سال ۲۶ هـ.ق در مدینهٔ منوره دیده به جهان گشودند. پدر بزرگوارشان، امیرالمؤمنین حضرت علی بن ابی‌طالب علیه السلام و مادر گرامیشان، بانویی پاک‌سرشت و از تبار دلاوران عرب، فاطمه بنت حزام، مشهور به ام‌البنین بودند. امیرالمؤمنین علیه السلام پس از شهادت صدیقۀ طاهره علیها السلام، به دنبال همسری از خاندان شجاعت و غیرت بود تا فرزندان دلاور و فداکار برای پاسداری از حریم ولایت و امامت پرورش دهند. با پیشنهاد برادرشان عقیل که به نسب‌شناسی آگاه بود، با ام‌البنین پیمان زناشویی بستند که ثمرهٔ آن چهار پسر به نام‌های عباس، عبدالله، جعفر و عثمان بود که همگی در رکاب برادر بزرگوارشان امام حسین علیه السلام به فیض شهادت نائل آمدند.

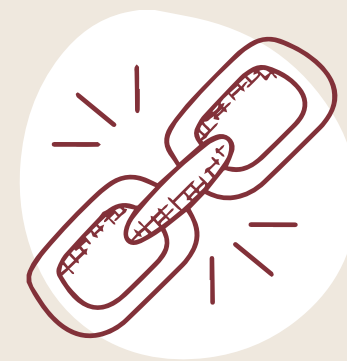
مشهورترین لقب ایشان «قمر بنی‌هاشم» است که ریشه



در جمال ظاهری و سیمای نورانی و سیرت درخشان ایشان دارد. همچنین ایشان را به جهت شجاعت و مسئولیت خطیر در روز عاشورا، «علمدار» و به دلیل فداکاری بی‌نظیر در آبرسانی به خیمه‌ها و تشنگان، «سقا» می‌خوانند. سیره عملی ایشان، تجلی کمالات علوی در اطاعت، وفاداری، رشادت و ایثار بی‌منت بود.

دوران زندگی پربرکت حضرت ابوالفضل علیه السلام ۳۴ سال بود که چهارده سال از آن را در محضر پدر و باقی سال‌ها را در کنار برادران بزرگوارش، امام حسن مجتبی علیه السلام و سیدالشهدا علیه السلام سپری نمودند. اوج درخشش قمر بنی‌هاشم در حماسه عاشورا تجلی یافت؛ آن‌جا که با رشادتی بی‌مانند، وفاداری خویش را به امام زمانش به اثبات رساند. در زیارت ناحیه مقدسه درباره ایشان چنین آمده است: «السَّلامُ عَلَى أَبِي الْفَضْلِ الْعَبَّاسِ بْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ الْمُوَاسِي أَخَاهُ بِنَفْسِهِ، أَلَا خِذْ لِي غَدِهِ مِنْ أُمْسِهِ، الْفَادَى لَهُ الْوَاقِي السَّاعِي إِلَيْهِ بِمَائِهِ، الْمَقْطُوعَةُ يَدَاهُ»؛ «سلام بر ابوالفضل العباس فرزند امیرالمؤمنین علیهما السلام، آن‌که با جان خود به برادرش مواسات کرد، و از گذشته‌اش برای آینده توشه برگرفت، آن‌که خود را فدای برادر کرد و جان خویش را سپر او قرار داده و برای رساندن آب به او سعی و تلاش نمود و دستانش جدا گردید.»

ارتباط آیه و مناسبت



حضرت عباس علیه السلام در کربلا و در اوج تشنگی، با وجود عطش شدید، وقتی به فرات و آب گوارا رسیدند، به یاد تشنگی خیمه‌ها و کودکان برادرش افتادند و نیاز خویش را نادیده گرفتند تا آب را به امام علیه السلام و اهل بیتشان برسانند. این از مصادیق اعلای ایثار و جانبازی در تاریخ است. این روحیه با پیروی از مکتب ولایت و قرآن حاصل می‌شود؛ همان‌گونه که جانبازان عزیز میهن در عرصه‌های مختلف این مهم را به اثبات رسانده‌اند. جانبازان، مجاهدان راه حق و پاسداران ارزش‌ها هستند که در راه دفاع از دین و میهن، سلامتی و رفاه خویش را فدای آرامش و امنیت جامعه کردند. آنان نیز در صحنه‌های نبرد و دفاع مقدس، با گذشتن از جان و اعضای بدن خود، عملاً «دیگران را بر خویشتن مقدم داشتند» و امروز با روحیه مقاوم خویش، نماد زنده صبر، وفا و ایثارند. آنان وارثان راه عباس بن علی علیهما السلام هستند که جان و تن خویش را در طبق اخلاص نهادند و خداوند نیز به بهای بهشت، آن را از ایشان ستاند.



کلام معصوم



عَلِيَّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «رَحِمَ اللَّهُ عَمِيَّ الْعَبَّاسَ فَلَقَدْ أَثَرَ وَأَبْلَى وَفَدَى أَخَاهُ بِنَفْسِهِ حَتَّى قُطِعَتْ يَدَاهُ فَأَبْدَلَهُ اللَّهُ وَجْهَهُ مِنْهُمَا جَنَاحَيْنِ يَطِيرُ بِهِمَا مَعَ الْمَلَائِكَةِ فِي الْجَنَّةِ كَمَا جُعِلَ لِجَعْفَرِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ وَإِنَّ لِلْعَبَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مَنْزِلَةً يَغِيبُهَا بِهَا جَمِيعُ الشُّهَدَاءِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.»^۱

امام سجاد علیه السلام: خدای متعال عمویم عباس را رحمت کند که ایثار کرد و خود را به سختی افکند و در راه برادرش جانبازی کرد، تا آن که دست هایش از پیکر جدا گردید. آن گاه خداوند عزوجل به جای آن ها دو بال به وی عنایت فرمود که در بهشت همراه فرشتگان پرواز کند، همان سان که برای جعفر بن ابیطالب قرار داد. عباس نزد خدای تبارک و تعالی مقامی دارد که همه شهدا در قیامت بدان غبطه می خورند.

۱. معدن الجواهر و ریاضة الخواطر؛ ص ۳۴. صدوق، محمد بن علی، الخصال، ج ۱، ص ۶۸



سخن رهبری

من، به فرزندان جانبازانی که این جا هستند، این را می‌گویم، هم به همه فرزندان جانبازان در سراسر کشور، و هم به خود پدر و مادرهای این‌ها؛ یعنی جانباز و همسرش. شما فرزندان جانباز افتخار کنید به این‌که فرزند کسی هستید که جوانی و سلامت خودش را برای آرمان‌های بلند الهی و اسلامی فدا کرده؛ این افتخار دارد. نگذارید دنیا طلبان، پُرو عزیزهای بی‌جهت در جامعه، و فرهنگ‌سازهای دست‌نشانده دشمنان دین و انقلاب فضا را طوری کنند که فرزند جانباز نتواند افتخار کند فرزند جانباز است. شما در موضع مهاجم قرار بگیرید. افتخار، متعلق به شماست. این کشور یک روز در معرض سخت‌ترین و تلخ‌ترین تهاجم‌ها قرار گرفت. عده‌ای گریختند، عده‌ای حتی از میدان‌های سختی هم فرار کردند - چه برسد به میدان جنگ - اما عده‌ای رفتند سینه‌شان را سپر کردند، جلوی دشمن را گرفتند و گذاشتند دشمنان بیابند آبرو و هستی و شرف و ناموس این ملت را لگدمال کنند. عده‌ای از این‌ها شهید شدند، یک‌عده هم جانباز شدند. پدر شما یکی از کسانی است که توانسته این شرف و افتخار بزرگ را به دست بیاورد.

فرزندان جانبازان با این دید نگاه کنند، که نگاه درست هم همین است.^۱

ایده‌های کنشگری



- در جلسه خود، درباره کارکرد ملموس و عینی فرهنگ ایثار در حل مسائل جامعه یا مدیریت بحران‌ها صحبت کنید؛ مثل امداد رسانی به مناطق سیل زده یا محرومیت زدایی.
- در جلسه خود می‌توانید دو کتاب «برادر من تویی» از انتشارات کتابستان معرفت و «سقای آب و ادب» از انتشارات نیستان را که درباره حضرت عباس علیه السلام نوشته شده‌اند، معرفی کنید.

۱. بیانات در دیدار جانبازان و خانواده‌های ایشان، ۱۳۸۴/۰۸/۰۴.



۵ شعبان - ولادت امام سجاد علیہ السلام وروز صحیفه سجادیه

آیه محوری



﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذَكَرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ﴾؛
«مؤمنان فقط کسانی هستند که چون یاد خدا شود،
دل‌هایشان ترسان می‌شود.»

۱. سوره مبارکه انفال ۲/.

دربارهٔ مناسبت



حضرت علی بن حسین علیهما السلام چهارمین پیشوای مذهب شیعهٔ امامیه است. ایشان در برهه‌ای تاریک و پرآشوب از تاریخ اسلام، بار سنگین امامت را بر دوش گرفتند و با نور عبادت و علم خویش، چراغ هدایت را در ظلمت‌کدهٔ ستم امویان روشن نگاه داشتند.

ایشان در مدینهٔ منوره دیده به جهان گشودند. پدر بزرگوارشان، حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام و مادر گرامیشان، بانویی به نام «شهربانو» - که بنا بر نقل مشهور، از دودمان پادشاهان ایران بود - هستند. ولادت پربرکت ایشان در پنجم شعبان سال ۳۸ هجری، در دوران خلافت جد بزرگوارشان، حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام رخ داد و بدین‌سان، دو سال نخست حیات خویش را در پرتوی وجود آن امام همام سپری کردند.

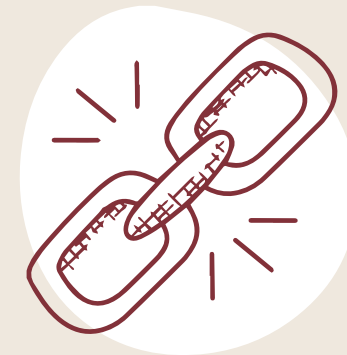
مشهورترین القاب ایشان «زین‌العابدین»، «سیدالساجدین» و «سجاد» است که ریشه در کثرت عبادت، سجده‌های طولانی و انس بی‌بدیل ایشان با معبود دارد. دربارهٔ ایشان گفته‌اند که در شبانه‌روز، هزار رکعت نماز می‌گزاردند و اثر پینه‌های عبادت بر پیشانی

و اعضای سجود ایشان، گواهی این عبادت‌ها بود. سیرهٔ عملی ایشان تجلی کمالات نبوی و علوی دربندگی خالصانه و خدمت به خلق بود.

کرامت و جود ایشان، به‌ویژه به نیازمندان، زبانزد بود. آن حضرت، شبانه و پنهانی، خوراک بر دوش می‌نهادند و به خانه‌های بینوایان می‌بردند. پینه‌های حاصل از حمل کیسه‌های غذا بر پشت مبارک ایشان، پس از شهادت، برای سایرین آشکار شد. همچنین، آزادسازی بردگان رویهٔ همیشگی آن امام رئوف بود.

امامت ایشان ۳۵ سال به طول انجامید که با دوران خلافت ستمگرانهٔ امویان، ازیزید بن معاویه تا ولید بن عبدالملک، همزمان بود. ایشان در این دوران سخت، در قالب دعا و مناجات توانستند معارف اصیل اسلام را منتقل کنند. صحیفهٔ سجادیه که به «زبور آل محمد» مشهور است، گنجینهٔ بی‌نظیری از عالی‌ترین مفاهیم توحیدی، اخلاقی و اجتماعی است که پس از قرآن و نهج البلاغه، ارجمندترین میراث مکتوب شیعه به شمار می‌آید. رسالهٔ حقوق ایشان نیز سندی ماندگار در تبیین حقوق الهی و انسانی است.

ارتباط آیه و مناسبت



نقل است که امام سجاده؟ هرگاه به نماز می ایستاد، چهره‌ای زرد و اندامی لرزان می یافت. چون علت را جویا شدند، فرمودند: «آیا می دانید من در برابر چه کسی می ایستم و با چه ذی جلالی می خواهم مناجات کنم؟» این هیبت و خشوع، ریشه در معرفت ژرف ایشان به عظمت معبود داشت. این همان «ذکر خدا» بود که بر عمق جانشان جاری می شد و بر قامتشان لرزه می افکند.

صحیفه سجادیه، ثمره همین روح عبادت‌گر و قلب خاشع است. این کتاب، شرح قلبی در قالب کلمات است؛ نیایشی که از عمق دل لرزان به درگاه الهی برمی خیزد و فلسفه حیات، هستی‌شناسی و اخلاق را به مشتاقان می آموزد.

کلام معصوم



عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «مَنْ أَطْعَمَ مُؤْمِنًا مِنْ جُوعٍ أَطْعَمَهُ
اللَّهُ مِنْ ثَمَارِ الْجَنَّةِ، وَ مَنْ سَقَى مُؤْمِنًا مِنْ ظَمٍّ سَقَاهُ اللَّهُ
مِنَ الرَّحِيقِ الْمَخْتُومِ وَ مَنْ كَسَا مُؤْمِنًا كَسَاهُ اللَّهُ مِنْ

الثِّيَابِ الْخُضْرِ^۱

امام سجاد عليه السلام: هر که مؤمن گرسنه‌ای را خوراک دهد خدا از میوه‌های بهشت به او خوراند، و هر که مؤمن تشنه‌ای را سیراب کند خدا از شراب سربسته بهشت به او نوشاند و هر که مؤمنی را پوشاک دهد خدا او را جامه‌های سبز پوشاند.

سخن رهبری



امام سجاد عليه السلام ۳۵ سال تقریباً حائز منصب امامت بودند و در این ۳۵ سال از اول تا به آخر یک سره مبارزه کردند... در این ۳۵ سال سه رشته کار را امام سجاد عليه السلام تعقیب کردند. یکی از این سه محور، کار اصلی سیاسی امام سجاد عليه السلام بود که آن عبارت بود از تبیین مسئله امامت. مردم با این که تازه از صدر اسلام جدا شده بودند و فاصله زیادی نداشتند، مسئله امامت را درست نمی‌شناختند و به شدت در این مسئله دچار اشتباه و انحراف بودند؛ هم اشتباه در مفهوم «امام» و این که امام چه شرایطی دارد، چه جور آدمی می‌تواند امام و رهبر جامعه باشد، امام اصلاً چه کاره است در این

۱. بحار الأنوار؛ ج ۷۱، ص ۳۸۴.



جامعه؛ و هم بالنتیجه در مصداق امام که امام کیست، این را نمی‌دانستند... پس کار اول امام سجاد علیه السلام این بود که آرام آرام به صورت عمیق مفهوم امامت و مصداق امام را به خورد جامعه اسلامی بدهد... این کار اول که کار سیاسی است.

محور دوم، محور فکری و عقیدتی و ایدئولوژیک بود؛ چون بنی‌امیه فکر مردم را و اسلام مورد ایمان مردم را هم خراب کرده بودند. اسلامی که در اختیار مردم در دوران امام سجاد قرار داشت، اسلام پیغمبر نبود. آن قدر تحریف و غلط و خلاف عمدی و سهوی در معارف اسلامی، در عقاید اسلامی، در احکام اسلامی، در مقررات اسلامی وارد کرده بودند که اگر احکام و معارف انحرافی آن روز را یک کتاب بکنیم، یک کتاب ضخیم خواهد شد. خلفا پول ریخته بودند، علمای وابسته‌ی به دربارها حدیث جعل کرده بودند و فتوا داده بودند، مبلغین و قراء و وابستگان گوناگون و سرسپرده‌های دستگاه هم این را در طول چندین سال در تمام اقطار اسلامی، مخصوصاً آن جاهایی که از مرکز اسلام فاصله داشتند، برده بودند؛ یک اسلام عوضی غلط مسخره‌ای درست کرده بودند که امام سجاد علیه السلام باید آن را تصحیح می‌کرد. این کار هم کار خطرناکی بود؛ خطرش از کار اول کمتر نبود. آن جا با دستگاه سیاسی برخورد بود؛

این جا، هم با دستگاه سیاسی، هم با دستگاه روحانی. این جا است که امام سجاد علیه السلام به دعا متوسل می شد. صحیفه سجادیه مجموعه معارف اسلامی است؛ مثل نهج البلاغه. کمتر کتاب مدون حدیثی را ما داریم که به قدر صحیفه سجادیه در آن معارف اسلامی باشد.

محور سوم عبارت بود از کار مبارزاتی و تشکیلاتی؛ یعنی جمع و جور کردن یاران خاص و شیعیان، متصل کردن آنها به یکدیگر، روحیه دادن به شیعیان مبارز، مانع شدن از جذب نیروهای شیعه به دستگاه های حاکم و به زندگی عافیت مآب؛ این هم یک کار بسیار دشواری بود که امام سجاد علیه السلام انجام می دادند. اول اطراف حضرت سه نفر یا پنج نفر بودند، بعد یواش یواش همین چند نفر به عراق رفتند، به مصر رفتند، به یمن رفتند، در حجاز گشتند، به ایران آمدند، در اقطار عالم اسلامی مسافرت کردند، با افرادی که به حج می آمدند، صحبت کردند، بحث کردند، ذهن آنها را روشن کردند و کار را به جایی رساندند که وقتی آن حضرت این دنیای فانی را ترک می گفت، در تمام دنیای اسلام آوازه امام و امامت و تفکر امامت خاندان پیغمبر پیچیده بود. یک عده ای به شدت معتقد بودند و پابند، عده ای هم آن چنان اعتقادی نداشتند اما محبت خاندان پیغمبر در دل این ها جا گرفته بود. یعنی در مقابل همه

تبلیغات پنجاه‌شصت‌سالهٔ خاندان اموی تا زمان شهادت امام سجاد علیه السلام، یک‌تنه امام سجاد علیه السلام با یاران خود این تبلیغات را خنثی کرد.

... آن چهرهٔ مظلوم بی‌صدای سربه‌زیرِ منفعلی که از امام سجاد علیه السلام درست کردند، به‌کلی برخلاف واقع است. چهرهٔ حقیقی امام سجاد علیه السلام چهرهٔ یک مبارزِ قهرمانِ خستگی‌ناپذیرِ آشتی‌ناپذیرِ پیگیری است که با تدبیر تمام، با دقت کامل، راه‌ها را می‌شناسد و انتخاب می‌کند و به سمت هدف‌ها این راه‌ها را می‌پیماید؛ خودش خسته نمی‌شود و دشمن را خسته می‌کند.^۱

ایده‌های کنشگری



- در جلسهٔ خود، به نقش «دعا» در حیات اجتماعی اشاره کنید. دعا الگو و راهنمایی برای ساختن انسان مسئول است. توضیح دهید که صحیفهٔ سجادیه چگونه انسان را به سوی بندگی و در عین حال پذیرش مسئولیت در برابر نعمت‌ها فرا می‌خواند. بخش‌هایی از دعا‌های مرتبط را در جلسه با هم بخوانید و از حاضرین بپرسید: «این دعا امروز ما را به چه کنشی دعوت می‌کند؟».

۱. خطبه‌های نماز جمعهٔ تهران، ۱۳۶۵/۰۷/۰۴.





۱۱ شعبان - ولادت حضرت علی اکبر علیه السلام روز جوان

آیه محوری



﴿إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى﴾؛ «آن‌ها جوانانی بودند که به پروردگارشان ایمان آوردند، و ما بر هدایتشان افزودیم.»

۱. سوره مبارکه کهف/۱۳.

دربارهٔ مناسبت

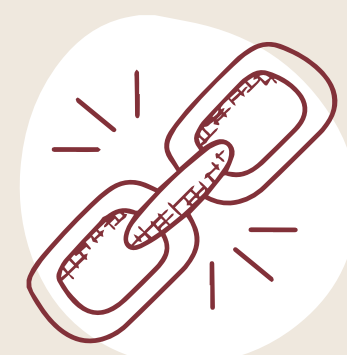


حضرت علی بن الحسین علیه السلام، مشهور به «علی اکبر»، گل سرسبد جوانان بنی هاشم و فروغ تابان کمال و جمال مصطفوی، در یازدهم ماه شعبان سال سی و سه هجری قمری دیده به جهان گشودند. پدر ارجمندشان، حضرت سیدالشهدا علیه السلام، و مادر گرامیشان «لیلی بنت ابی مرّة ثقفی» بود.

ایشان را از نظر خلق و خوی و صورت و سیرت، شبیه ترین مردم به جد بزرگوارشان، پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله، دانسته اند. ایشان تجلی تابان سنت نبوی و علوی در جوانمردی، ادب، فصاحت، زیبایی و شجاعت بودند.

به برکت ولادت پرخیر و برکت این اسوهٔ جوانان مؤمن، یازدهم ماه شعبان در جمهوری اسلامی ایران به عنوان «روز جوان» نام گذاری شده است تا فرصتی باشد برای تأمل در سیرهٔ درخشان آن حضرت و الگوبرداری از عزم راسخ، ایمان استوار و معرفت عمیق ایشان.

ارتباط آیه و مناسبت



حضرت علی اکبر علیه السلام جلوهٔ تمام نمای جوان مؤمنی است

که عمرش را نه در گرداب غفلت، که در سایه‌سار عبادت و در مکتب حسینی صرف نمود. جوانان تا زمانی که نیرو و توانی دارند، باید سرمایه‌ی زندگانی خود را در مسیر ایمان و اخلاص سرمایه‌گذاری کنند و بدانند که ارزش جوانی، به میزان قرب به سرچشمه‌های هدایت الهی است. جوانی، فصل شکفتن و زمان جهاد اکبر برای ساختن خویشتن است. چه بسیار افرادی که روزگار در غفلت گذراندند و ناگاه در خزان، حسرت ایام ازدست‌رفته را خورده که توشه‌ای برای سرای باقی خود برنچیده‌اند.

کلام معصوم



أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أَصْحَابُ الْمَهْدِيِّ شَبَابٌ لَا كُهُولَ فِيهِمْ إِلَّا مِثْلَ كُحْلِ الْعَيْنِ وَالْمِلْحِ فِي الزَّادِ.»^۱

امام علی علیه السلام: اصحاب مهدی علیه السلام همگی جوان هستند و پیر در میانشان نیست، مگر به اندازه‌ی سرمه‌ی چشم و به اندازه‌ی نمک زاد و توشه.

۱. الغیبة؛ ج ۱، ص ۴۷۶.

سخن رهبری

مظهر جوان فداکار در کربلا کیست؟ علی اکبر فرزند امام حسین علیه السلام؛ جوانی که در بین جوانان بنی هاشم برجسته و نمونه بود؛ جوانی که زیبایی‌های ظاهری و باطنی را با هم داشت؛ جوانی که معرفت به حق امامت و ولایت حسین بن علی علیه السلام را با شجاعت و فداکاری و آمادگی برای مقابله با شقاوت دشمن همراه داشت و نیرو و نشاط و جوانی خود را برای هدف و آرمان والای خود صرف کرد. این خیلی ارزش دارد. این جوان فوق العاده و برجسته به میدان دشمن رفت و در مقابل چشم پدر و چشمان زنانی که نگران حال او بودند، جسد به خون آغشته‌اش به خیمه‌ها برگشت. این چنین مصیبت و عزایی چیز کوچکی نیست؛ اما همین حرکت او به سمت میدان و آماده شدن برای مبارزه، برای یک مسلمان، تجسم عزت، بزرگواری، افتخار و مباهات است. این است که خداوند می‌فرماید: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ». حسین بن علی علیه السلام نیز به نوبه خود با فرستادن این جوان به میدان جنگ، عزت معنوی را نشان داد؛ یعنی پرچم سربلندی و حاکمیت اسلام را که روشن‌کننده مرز بین امامت اسلامی و سلطنت طاغوتی

است محکم نگه می‌دارد، ولو به قیمت جان جوان عزیزش باشد.^۱

ایده‌های کنشگری



- روز جوان، روز انتخاب مسیر است. حضرت علی اکبر علیه السلام جوانی مؤمن، بابصیرت و باغیرت دینی بودند که جان خود را آگاهانه در راه دفاع از امام و حریم ولایت نثار کرد. در جلسه خود با نقب به این موضوع، یاد شهدای جوانی را زنده کنید که در سال‌های اخیر، به‌ویژه در مسیر دفاع از امنیت کشور و صیانت از اسلام جان خود را فدا کرده‌اند.
- می‌توانید کتاب «پدر، عشق و پسر» از انتشارات نیستان که درباره حیات حضرت علی اکبر علیه السلام را در جلسه خود معرفی کنید.

۱. بیانات درپادگان دوکوهه، ۹/۱/۱۳۸۱.





عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى
فَرَجَهُ الشَّرِيفَ

۱۵ شعبان - ولادت حضرت ولی عصر

آیه محوری



﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ
أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾؛ «و ما بر آن هستيم كه
بر مستضعفان روى زمين نعمت دهيم و آنان را
پيشوايان و وارثان گردانيم.»

۱. سوره مبارکه قصص/۵.



دربارهٔ مناسبت



ولادت حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ، دوازدهمین امام شیعیان، در نیمهٔ شعبان سال ۲۵۵ هـ.ق در شهر سامرا به وقوع پیوست. این واقعه بر اساس روایات متواتر نزد علمای امامیه، از یقینی‌ترین باورهای شیعی است. شواهدی چون گزارش‌های تاریخی از ملاقات با آن حضرت، عقیقهٔ امام حسن عسکری علیه السلام برای فرزندشان، صدور توقیعات، معجزات و...، همگی بر واقعیت تولد ایشان گواهی می‌دهند. حتی برخی علمای اهل سنت و صوفیه نیز به این تولد اذعان نموده‌اند.

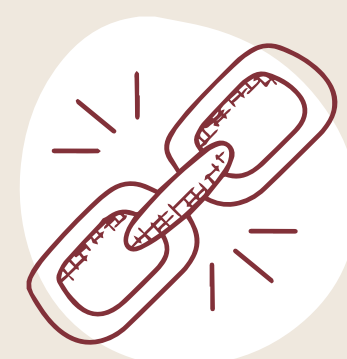
بر اساس روایات، در شب نیمهٔ شعبان، حکیمه خاتون به دستور امام حسن عسکری علیه السلام در منزل ایشان حاضر شد و نزدیک صبح، حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ به‌طور معجزه‌آسایی از مادرشان نرجس خاتون متولد گردیدند. این میلاد پربرکت، طلوعهٔ تحقق وعده الهی برای استقرار عدالت جهانی است. ظهور حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ سرآغاز پیروزی نهایی مستضعفان بر مستکبران و گسترش عدالت در سراسر گیتی خواهد بود، نیمهٔ شعبان به‌عنوان روز جهانی مستضعفین نیز گرامی داشته می‌شود. این مناسبت

تأکیدی است بر آرمان جهانی امامت و عدالت خواهی که در انتظار فرج تجلی می یابد.

مفهوم «مستضعف» در اندیشه اسلامی، نه صرفاً اشاره به فقر مادی، بلکه شامل محرومان از حق هدایت و سرنوشت و مظلومان و زیردستان در برابر نظام های طاغوتی و ستمگر می شود. ولادت امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ نماد امید برای این قشر است، چرا که ظهور ایشان به معنای پایان ظلم، برچیده شدن سازمان های فریبکار جهانی و استقرار حکومت عدل الهی است.

امید است که به برکت این میلاد فرخنده، جهان هرچه زودتر شاهد طلوع خورشید عدالت و پایان شب ظلمت باشد.

ارتباط آیه و مناسبت



قضیه غیبت حضرت صاحب، قضیه مهمی است که به ما مسائلی می فهماند. من جمله این که برای یک همچو کار بزرگی که در تمام دنیا عدالت به معنای واقعی اجرا بشود، در تمام بشر نبوده کسی الا مهدی موعود - سلام الله علیه - که خدای تبارک و تعالی او را ذخیره کرده است برای بشر. هر یک از انبیا که آمدند، برای اجرای عدالت آمدند و مقصدشان هم این بود که

اجرای عدالت را در همه عالم بکنند لکن موفق نشدند. حتی رسول ختمی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ که برای اصلاح بشر آمده بود و برای اجرای عدالت آمده بود و برای تربیت بشر آمده بود، باز در زمان خودشان موفق نشدند به این معنا، و آن کسی که به این معنا موفق خواهد شد و عدالت را در تمام دنیا اجرا خواهد کرد... در زمان ظهور مهدی موعود - سلام الله علیه - که خداوند ذخیره کرده است او را از باب این که هیچ کس در اولین و آخرین، این قدرت برایش نبوده است و فقط برای حضرت مهدی موعود عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيف بوده است که تمام عالم را، عدالت را در تمام عالم گسترش بدهد، و آن چیزی که انبیا موفق نشدند به آن با این که برای آن خدمت آمده بودند، خدای تبارک و تعالی ایشان را ذخیره کرده است که همان معنایی که همه انبیا آرزو داشتند، لکن موانع، اسباب این شد که نتوانستند اجرا بکنند، و همه اولیا آرزو داشتند و موفق نشدند که اجرا بکنند، به دست این بزرگوار اجرا بشود.

اینکه این بزرگوار را طول عمر داده خدای تبارک و تعالی برای یک همچو معنایی، ما از آن می فهمیم که در بشر کسی نبوده است دیگر، قابل یک همچو معنایی نبوده است، و بعد از انبیا که آن ها هم بودند لکن

موفق نشدند، کسی بعد از انبیا و اولیای بزرگ، پدران حضرت موعود، کسی نبوده است که بعد از این، اگر مهدی موعود هم مثل سایر اولیا به جوار رحمت حق می‌رفتند، دیگر در بشر کسی نبوده است که این اجرای عدالت را بکند، نمی‌توانسته و این یک موجودی است که ذخیره شده است برای یک همچو مطلبی، و لهذا به این معنا عید مولود حضرت صاحب - ارواحنا له الفداء - بزرگ‌ترین عید برای مسلمین است و بزرگ‌ترین عید برای بشر است نه برای مسلمین.

... وقتی که ایشان ظهور کنند - ان شاء الله خداوند تعجیل کند در ظهور او - تمام بشر را از انحطاط بیرون می‌آورد، تمام کجی‌ها را راست می‌کند... «يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا بَعْدَ مَا مِلَّتْ جَوْرًا» الآن زمین و بعد از این، از این هم بدتر شاید بشود، پراز جور است، تمام نفوسی که هستند انحرافات در آن‌ها هست. حتی نفوس اشخاص کامل هم در آن انحرافاتی هست ولو خودش نداند. در اخلاق‌ها انحراف هست، در عقاید انحراف هست، در اعمال انحراف هست و در کارهایی هم که بشر می‌کند انحرافش معلوم است. و ایشان مأمورند برای این که تمام این کجی‌ها را مستقیم کنند و تمام این انحرافات را برگردانند... از این جهت، این عید، عید تمام بشر

است بعد از اینکه آن اعیاد، اعیاد مسلمین است. این
عید، عید تمام بشر است.^۱

کلام معصوم



مَوْلَانَا صَاحِبِ الزَّمَانِ عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى: «أَكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ
الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ»^۲

حضرت صاحب‌الزمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى: برای تعجیل فرج
بسیار دعا کنید که همان فرج و گشایش شما است.

سخن رهبری

انتظار فرج یک مفهوم بسیار وسیع و گسترده‌ای است.
یک انتظار، انتظار فرج نهایی است؛ یعنی این که بشریت
اگر می‌بیند که طواغیت عالم ترک‌تازی می‌کنند و چپاولگری
می‌کنند و افسارگسیخته به حق انسان‌ها تعدی می‌کنند،
نباید خیال کند که سرنوشت دنیا همین است؛ نباید تصور
کند که بالأخره چاره‌ای نیست و بایستی به همین وضعیت

۱. صحیفه امام؛ ج ۱۲، صص ۴۸۰-۴۸۳.

۲. معدن الجواهر و ریاضة الخواطر؛ ص ۳۴.



تن داد؛ نه، بداند که این وضعیت یک وضعیت گذراست - «الباطل جولة» - و آن چیزی که متعلق به این عالم و طبیعت این عالم است، عبارت است از استقرار حکومت عدل؛ و او خواهد آمد. انتظار فرج و گشایش، در نهایت دورانی که ما در آن قرار داریم و بشریت دچار ستم‌ها و آزارهاست، یک مصداق از انتظار فرج است، لیکن انتظار فرج مصداق‌های دیگر هم دارد. وقتی به ما می‌گویند منتظر فرج باشید، فقط این نیست که منتظر فرج نهایی باشید، بلکه معنایش این است که هر بن‌بستی قابل گشوده‌شدن است. فرج، یعنی این؛ فرج، یعنی گشایش. مسلمان با درس انتظار، فرج می‌آموزد و تعلیم می‌گیرد که هیچ بن‌بستی در زندگی بشر وجود ندارد که نشود آن را باز کرد و لازم باشد که انسان ناامید دست روی دست بگذارد و بنشیند و بگوید دیگر کاری نمی‌شود کرد؛ نه، وقتی در نهایت زندگی انسان، در مقابله با این همه حرکت ظالمانه و ستمگرانه، خورشید فرج ظهور خواهد کرد، پس در بن‌بست‌های جاری زندگی هم همین فرج متوقع و مورد انتظار است. این، درس امید به همه انسان‌هاست؛ این، درس انتظار واقعی به همه انسان‌هاست؛ لذا انتظار فرج را افضل اعمال دانسته‌اند؛ معلوم می‌شود انتظار، یک عمل است، بی‌عملی نیست.

نباید اشتباه کرد، خیال کرد که انتظار یعنی این که دست روی دست بگذاریم و منتظر بمانیم تا یک کاری بشود. انتظار یک عمل است، یک آماده سازی است، یک تقویت انگیزه در دل و درون است، یک نشاط و تحرک و پویایی است در همه زمینه ها.^۱

ایده های کنشگری



- در جلسه خود، توضیح دهید که انتظار در منطق مهدوی، حالت انفعال و دست روی دست گذاشتن نیست، بلکه آمادگی، اصلاح و ساختن است؛ جامعه ای که باید خود را شایسته ظهور بداند. سپس از حاضران بخواهید هر کدام یک «قدم کوچک انتظار» را نام ببرند؛ کاری ساده اما واقعی، مثل درست کاری در مسئولیت، کمک به رفع یک نیاز اطرافیان، امر به معروف و نهی از منکر، دانش افزایی برای خدمت بهتر به جامعه و اسلام.
- داستان های مختلفی با موضوع غیبت و حضرت حجت عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيف نوشته شده است که می توانید آن ها را در جلسه خود معرفی کنید.

۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه شعبان، ۱۳۸۴/۶/۲۹.



عزیز و محبوب
میرزا محمد علی
خان